

## بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد لایحه حجاب و عفاف

صفحه ۲



### ۲۵ شهریور، روز تعطیل عمومی بمناسبت جان باختن مهسا

حمید تقوایی، صفحه ۳

### طبقه کارگر از نگاه منصور حکمت

متن تنظیم شده گفتگو با شهلا دانشفر در تلویزیون کانال جدید، صفحه ۴

۱۶ مرداد: تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و دو خبر دیگر، صفحه ۱۳

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد تهران و کارخانه قند خاورمیانه صفحه ۱۲

حمایت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان از تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و

کشوری در روزهای یکشنبه و سه شنبه صفحه ۱۲

### مدیای اجتماعی

فشارهای امنیتی بر روی معلمان معترض ادامه دارد

پیوستن بیست و دو هزار نفر به کمپین یکصد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی، صفحه ۱۵

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) تأیید حکم حبس سارا سیاهپور را محکوم کرد، صفحه ۱۳

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

کودکان کار در ایران؛ زندگی دردناک و نیاز به حمایت

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، صفحه ۱۰

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)، پاسخ مرتبط با کانون

انجمن های صنفی کارگران پالایشگاه های گاز استان بوشهر، صفحه ۱۶

حمایت چهار تشکل از کمپین یکصد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی صفحه ۱۴

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۹۱

۱۶ مرداد ۱۴۰۲

۷ اوت ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

طبقه کارگر در آستانه یک

ساله شدن انقلاب "زن،

زندگی، آزادی"

مهران محبی، صفحه ۱۱

استثمار با طعم فریب و

سرکوب

یاشار سهندی، صفحه ۹

گرانی نان: بازی با آتش

خلیل کیوان، صفحه ۱۰

کارزاری که میتواند

حامینش میلیونی باشد

شهلا دانشفر، صفحه ۱۴

عباس درسی باید فوراً و

بدون قید و شرط آزاد شود

صفحه ۱۶

تجمعات بازنشستگان

کشوری علیه فقر و گرانی و

احضارها

صفحه ۸

## جنبش بی حجابی تا سرنگونی حکومت ادامه خواهد یافت بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد لایحه حجاب و عفاف

است، اما تعداد بی حجابها زیاد است و امکان دستگیری آنها را نداریم. اژه‌ای رئیس قوه قضائیه شان مدتی قبل صریحا اعلام کرد که تحمیل حجاب با بگير و ببند نمیشود و هزینه بردار است. بسیاری از رسانه‌های نزدیک به حکومت و مسئولین، آیت‌الله‌ها و مدرسین «حوزه علمیه» مدام به حکومت هشدار میدهند که با آتش بازی نکنید. هیچ مقام حکومتی تردیدی ندارد که اگر ۴۴ سال جنایت مستمر و سازمانیافته علیه زنان، زندان و اسید و شلاق و تهدید و تحقیر و انواع مجازات‌ها قادر به عقب راندن زنان و روی آوری جامعه به سبک زندگی غیر اسلامی نبوده است، این لایحه نیز دردی از حکومت دوا نخواهد کرد بلکه شکاف‌هایش را تشدید میکند.

جامعه در حال انقلاب و غلیان است. نزدیک به یک سال است جنبش عظیم بی حجابی سراسر کشور را گرفته و خاکریز مهم سیاسی و ایدئولوژیک

حکومت را تسخیر کرده است. زنان و مردم آزاده گوشه‌ای از قدرت خود و همبستگی و همدلی خود و ضعف و استیصال حکومت را در طول یک سال گذشته دیده‌اند. شکاف عمیقی در کل حکومت ایجاد کرده و ترس و وحشت نیروی سرکوب و بی ارادگی اش را در خیابان‌ها مشاهده کرده‌اند. گشت ارشاد و اوباش امر به معروف را در سوراخ کرده و از هر مامور و مزدوری که تهدیدشان کند عکس میگیرند و آنها را تهدید میکنند. در زندان و پس از آزادی و از همان مقابل زندان حجابشان را پرت میکنند و شعار میدهند و در یک کلام زنان و کل مردم آزاده در دل جنگی عظیم بر سر حجاب، پیشروی قابل توجهی کرده‌اند و همچنان به پیشروی ادامه میدهند. هیچ نیرویی قادر نخواهد بود جلو جنبش عظیم بی حجابی و سبک زندگی مدرن و پیشرو جامعه را بگیرد.

کشمکش بر سر حجاب ادامه خواهد یافت. نه رژیم میتواند آزادی پوشش را بپذیرد و نه زنان و کل جامعه کوتاه خواهند آمد. اما آنچه روشن است این است که بی حجابی گسترش خواهد یافت و سنگرهای بیشتری فتح خواهد شد. اگر حکومتیان بدلیل شکست‌ها و بحران‌هایشان در استیصال و تردید و سردرگمی به سر میبرند، زنان و مردمی که قصد پایین کشیدن این حکومت را دارند کوچکترین تردیدی ندارند و هر روز بیشتر خود را متحد و منسجم میکنند. مردمی که توازن قوا را با مبارزات بی امان‌شان به نفع خود تغییر داده‌اند و مردم جهان را به حمایت از خود به حرکت درآورده‌اند امروز در موقعیتی به مراتب قوی‌تر از هر زمان دیگر قرار دارند و مصممند نه تنها به حجاب اجباری بلکه به ۴۴ سال تحقیر و ستم و فقر و محرومیت پایان دهند و با سرنگونی حکومت متحجر اسلامی، دست به کار ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر آزادی و برابری و رفاه همگانی، جامعه‌ای شاد و مدرن و انسانی بشوند. طرح‌های مختلف حجاب و عفاف را نیز به زباله‌دان خواهند انداخت.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ مرداد ۱۴۰۲، ۲ اوت ۲۰۲۳

سرانجام متن نهایی «لایحه حجاب و عفاف» که در اردیبهشت امسال از طرف قوه قضائیه به دولت و با موافقت دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود، روز پنجم مرداد در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس اسلامی با اصلاحاتی منتشر شد. طرح قوه قضائیه شامل ۹ ماده بود اما به ۱۵ ماده و سرانجام به ۷۰ ماده رسید. جریمه‌های نقدی، زندان، ممنوعیت خروج از کشور، توقیف گذرنامه و محرومیت از حقوق شهروندی بخشی از مجازات‌های تعیین شده در لایحه حجاب و عفاف است. طبق این لایحه نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه، سازمان اطلاعات فراجا، بسیج و ستاد امر به معروف و نهی از منکر مسئولیت دارند تا با کار میدانی مانع گسترش «فرهنگ برهنگی، بی‌عفتی، بی حجابی و بدپوششی» شوند.

این لایحه علیرغم انواع

مجازات‌هایی که برای «بدحجابی» (و بی حجابی و صاحبان کسب و کار و ارگان‌های دولتی و مسئولین واحدهای خدماتی، ورزشی، تفریحی و رفاهی، هنری، پاساژها، اماکن تجاری و فروشگاه‌ها تعیین کرده است، بیانگر سردرگمی، ناتوانی، شکاف‌های درون حکومت و توازن قوای جدیدی است که انقلاب زن زندگی آزادی به حکومت تحمیل کرده است. جرات نکرده‌اند گشت ارشاد و شلاق و ضرب و شتم زنان را به طرحشان اضافه کنند و اساس را بر جریمه نقدی و برخورد «نرم» قرار داده‌اند. یکی از نمایندگان مجلس گفته است این طرح پس از برگزاری ۳۰۰ جلسه با شورای انقلاب فرهنگی و شورای امنیت ملی نهایی شده و به تأیید رهبری و قوه قضائیه و ارگان‌های دیگر رسیده است. نفس این تعداد جلسه برای حکومتی که ۴۴ سال متخصص سرکوب زنان و تحمیل حجاب بوده و تمام امکانات و توانش را علیه زنان به کار گرفته است، موقعیت مستاصل و متزلزل کل

حکومت، مجلس و رهبر و ارگانهای سرکوب را در مقابل خیزش سرنگونی و جنبش توده‌ای و تعرضی بی حجابی و فرهنگ و سبک زندگی غیر اسلامی و غیر سنتی مردم آشکار میکند.

یکی از مقامات بدرست گفته است که این لایحه بلافاصله به بایگانی خواهد رفت. چون حکومت توان عملی کردن آنرا ندارد. لحن مقامات مختلف حکومت در چند ماه اخیر، بیش از این طرح گویای توازن قوای جدیدی است که انقلاب زن زندگی آزادی و در پیشاپیش آن زنان به حکومت تحمیل کرده‌اند. بارها گفته‌اند بی حجابی حرام شرعی و قانونی است و جرمش زندان



به حزب  
کمونیست کارگری  
پیوندید!

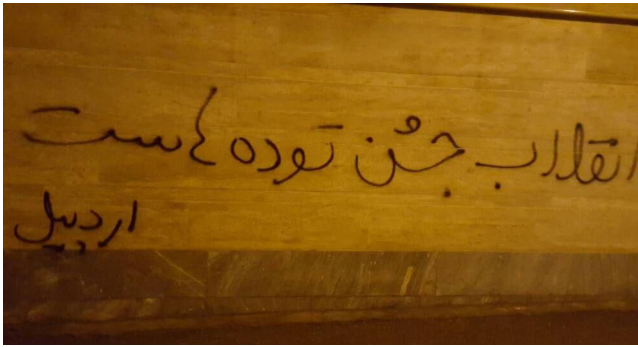


تلگرام: @wpi\_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

## ۲۵ شهریور، روز تعطیل عمومی بمناسبت جان باختن مهسا



اسلامی در هراس از برآمد اعتراضات و تظاهرات در روز ۲۵ شهریور از هم اکنون بر تعطیلی این روز، که با فوت امام هشتمشان مصادف شده است، تاکید میکند. به خیال خود میخواهند تظاهرات و اعتراضات در سالگرد انقلاب را تحت الشعاع عزاداری مذهبی قرار بدهند. اما مردم این روز را هم مثل ایام محرم به روز تعرض بیشتر به رژیم بدل خواهند کرد. از نظر مردم ۲۵ شهریور نه روزی مذهبی و حکومتی، بلکه روز قتل مهسا و روز تشدید اعتراضات به رژیم قاتل مهسا است. این روز باید بعنوان یک روز مهم تاریخی مهم در تقویم ایران ثبت گردد و هر سال بزرگ داشته بشود. تا کنون دولتها و یک درصدیهای حاکم، در ایران و در همه کشورها، روزهای "تعطیلی ملی" را تعیین کرده اند: اعیاد و عزاداری های معمولاً مذهبی و ناسیونالیستی و قومی - نژادی. ۲۵ شهریور را اما ما مردم، ما مردم پیاخاسته برای بزیر کشیدن حکومت قاتل مهسا ها، بعنوان روز بزرگداشت مهسا و همه قربانیان انقلاب جاری و همه کشته شدگان بدست جلادان جمهوری اسلامی در تقویم ثبت میکنیم. تا زمانی که هنوز این جانین در قدرت هستند، سالگرد مرگ مهسا، روز گسترش اعتراض و مبارزه و روز اعلام عزم جزم جامعه برای در هم کوبیدن جمهوری اسلامی نیز هست اما بعد از سرنگونی حکومت نیز تعطیل این روز بعنوان روز بزرگداشت قربانیان راه آزادی ادامه خواهد یافت. همانطور که اول ماه مه، روز جهانی کارگر، و هشت مارس، روز جهانی زن، نیز در ایران فردا تعطیل عمومی خواهد بود.

با عزم و اراده جمعی میتوانیم روز تاریخی تازه ای را در تقویم ایران رقم بزنیم: روز مهسا، روز بزرگداشت عزیزان جانباخته مان و روز برآمد تازه انقلاب زن زندگی آزادی. پیش بسوی تثبیت ۲۵ شهریور بعنوان روز یادمان و یزرگداشت مهسا و همه قربانیان جمهوری اسلامی و روز اعتراضات و تظاهرات هرچه گسترده تر خیابانی در همه شهرها.

حمید تقوایی - ۱۸ مرداد ۱۴۰۲، ۸ اوت ۲۰۲۳

### حمید تقوایی

نمایش قدرت مردم و ضعف و درماندگی رژیم میتوانند و باید ۲۵ شهریور سالگرد جانباختن مهسا و روز آغاز انقلاب زن زندگی آزادی باشد. در این روز با حضور در تظاهرات و تجمعات اعتراضی یاد مهسا و همه جانباختگان انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی میداریم و عزم جزم خود را برای ادامه انقلاب تا پیروزی کامل بر رژیم ددمنش جمهوری اسلامی اعلام میداریم. ۲۵ شهریور میتواند موج تازه ای از اعتراضات خیابانی را کلید بزند. ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ روز آغاز انقلاب زن زندگی آزادی بود و ۲۵ شهریور ۱۴۰۲ روز برآمد قدرتمند تر و کوبنده تر این انقلاب است.

بویژه مردم سقز و دیگر شهرهای کردستان، که سابقه مبارزاتی درخشانی از جمله با سازماندهی چند اعتصاب سراسری در یازده ماه گذشته دارند، میتوانند در این مورد نیز پیشقدم باشند. گرد آمدن بر مزار مهسا در آرامگاه ایچی سقز از شهر های مختلف میتواند نقطه اوجی در تداوم انقلاب باشد. روز ۲۵ شهریور روز تاکید مجدد بر اتحاد سراسری مردم ایران، از سنندج و زاهدان و تبریز تا اصفهان و شیراز و اهواز و تهران نیز هست.

اما گذشته از تجمعات و تظاهرات در سالگرد انقلاب، نفس تعطیلی این روز بعنوان روز مهسا و روز بزرگداشت انقلابی که با قتل حکومتی مهسا آغاز شد اهمیت ویژه ای دارد. جمهوری

نزدیک به یکسال پس از جانباختن مهسا انقلاب در اشکال گوناگون ادامه دارد. تظاهرات خیابانی بطور نسبی فروکش کرده است ولی نبرد بی امان علیه رژیم در جبهه های متعددی در حال پیشروی است: بی حجابی رو به گسترش در سطح سراسری، تجمعات اعتراضی در خاکسپاریها و هفتم ها و چهلم ها و حتی جشن تولدها بر سر مزار عزیزان جانباخته، ادامه اعتصابات و اعتراضات کارگری از جمله در صنعت نفت و معادن، تجمعات مداوم بازنشستگان در شهرهای مختلف، موج گسترده اعتراضی در مدیای اجتماعی بویژه علیه اعدامها و دستگیریها، و سراسیمگی و هراس حکومتیها در مقابل همه این تحولات بروشنی نشانگر ادامه انقلابی است که حدود یکسال قبل با قتل دولتی مهسا (ژینا) امینی آغاز شد.

این موج سر باز ایستادن ندارد. رژیم در مانده تر از همیشه و مردم تعرضی تر از همیشه در برابر یکدیگر صف آرایی کرده اند. آخرین نمونه این تقابل حضور زنان بی حجاب و مردم سفید پوش در مراسم محرم و برگزاری کارناوالها و نوحه های تعرضی ضد حکومتی به بهانه محرم در شهرهای مختلف بود. مردم حتی روزهای سنتی نمایش قدرت حکومتی ها را به روزهای درماندگی و زبونی رژیم تبدیل کرده اند. یکی از مهمترین روزهای این

ماهواره یاهو است

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID  
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv  
nctv.tamas@gmail.com

## طبقه کارگر از نگاه منصور حکمت

### متن تنظیم شده گفتگو با شهلا دانشفر در تلویزیون کانال جدید

سیما بهاری: نگاه منصور حکمت به طبقه کارگر چیست و بری خود شما به عنوان یک فعال در عرصه جنبش کارگری مکان اجتماعی سیاسی این رویکرد چیست؟

**شهلا دانشفر:** منصور حکمت طبقه کارگر را پدیده ای عینی و محصول پیدایش سرمایه داری میدانند و با رجوع به مارکس میگویند با پیدایش سرمایه داری یک نوع آدمهایی بوجود آمده‌اند که اگر بخواهند آزاد بشوند حرفشان باید این باشد که نباید شرایطی وجود داشته باشد که عده‌ای انحصار مالکیت وسایل تولید را داشته باشند و بقیه مجبور شوند برای آنها کار کنند تا بتوانند تامین معاش کنند و باید این وضعیت تغییر کند. به این معنا که موقعیت عینی کارگر ایجاب میکند که به یک تغییر رادیکال و ریشه‌ای در جامعه دست بزنند. به عبارت روشنتر کارگر اگر بخواهد رها بشود، و نه فقط وضعیتش بهتر شود، باید کل سیستم را ریشه کن کند. بنابراین رهائی کارگر که امر خودش است، ایجاب میکند که آن مناسبات معین یعنی سرمایه داری از بین برود، یعنی مالکیت بورژوازی لغو بشود و کارگر از این رسالت‌گریزی ندارد. از همین رو می‌بینیم که در جامعه‌ای که مارکس پیش بینی میکند، کارگر در اول صحنه قرار دارد، نه به عنوان کارگر بلکه به عنوان عاملی که جامعه از هر نظر به آن نیاز دارد.

او در همین رابطه در نقد «سوسیالیسم مستضعف پناه» میگوید اگر شما صرفاً طرفدار مستضعفها باشید، مستضعف زیاد است. یا اگر به خاطر دفاع از محرومین، و صرفاً برای نجات اقشار ستمدیده به میدان آمده اید، آدم بدبخت‌تر از کارگر بسیار است. مارکس هم به خاطر نگاه به مشقات کارگر نیست که تز انقلاب کارگری را آورد. یا اینکه کارگر را در مارکسیسم مطرح کرد. بلکه تعریف عینی و ابرکتیو کارگر سنک بنای درک مبارزه سوسیالیستی و اهداف اقتصادی این مبارزه در جامعه است.

بدین ترتیب بحث بر سر این نیست که کارگر چقدر دارایی دارد یا ندارد بلکه بحث بر سر اینست که کارگر اگر بخواهد آزاد بشود با تمام اموالی هم که دارد باید کار مزدی را از بین ببرد. اما سوسیالیسم مستضعف پناه برعکس می‌بیند. و به مستضعف احتیاج دارد و اگر مستضعفی نبود و یک عده در جامعه با دستهای پینه بسته نبودند، دیگر نمیتواند سوسیالیست بودن خود را به ما نشان بدهد. گویا کارگر از منظر اینها آدمهایی هستند که همه اموال جامعه و خوشبختی‌ها را باید به آنها داد و از بقیه انتقام گرفت، یک درک مذهبی و اخلاقی از مارکسیسم و طبقه کارگر.

با این رویکرد منصور حکمت با این گفته که طبقه کارگر نفعش در نابودی کل سیستم سرمایه داری است. سیستمی که کل ساختار آن برای استثمار و کار مزدی شکل گرفته است، مکان عینی کارگر برای نابودی کل بساط سرمایه داری را توضیح میدهد. او بر همین اساس بر این تاکید دارد که کارگر برای رهایی خود و کل جامعه باید این بساط وارونه را زیر و رو کند. منصور حکمت میگوید مارکس کارگر را پیدا نکرده است، بلکه کارگر یک واقعیت عینی است و در تئوری مارکس کارگر تنها به عنوان عامل آزادی ظاهر میشود. و این موضع با موضع کسانی که از موضع سوسیالیسم مستضعف پناه، یا از موضع فرودست پناهی، سوسیالیسم را تبلیغ میکنند، متفاوت است.

منصور حکمت میگوید مارکس به خاطر جایگاه کارگر در جامعه کاپیتالیستی، جایگاه عینی کارگر در واقعیت جهان معاصر است که تئوریش را روی کارگر بنا میکند. نه به خاطر اینکه کارگر با معرفت‌تر است، یا فی الواقع انقلابی‌تر است یا بیشتر میفهمد یا بیشتر از همه زجر میکشد، یا انسان‌تر است و یا هر چیز دیگری از این دست.

این نقد تیز منصور حکمت اشاره مستقیمش به جریان‌های پوپولیست و حاشیه نشین، جریان‌هایی که با درکی سطحی و مذهبی از کارگر در خلسه لذت بردن از کارگر



کارگر کردن بسر میرند و عملاً کارگر را از سیاست احتراز میدهند، است.

منصور حکمت با حرکت از موقعیت اجتماعی طبقه کارگر میگوید کارگر برای دفاع از زندگی‌اش باید با این سیستم بجنگد و نهایتاً باید به این سیستم پایان بدهد تا رها شود. تولید جمعی خود به کارگر ساختار میدهد. بنابراین کارگر آحاد نیست. توده بی شکل نیست. سوخت و ساز درونی خود را دارد و در دل مبارزاتش رهبری خود را بیرون میدهد. بدین ترتیب اولین نقد منصور حکمت به درکی وارونه از مفهوم خود طبقه کارگر در انواع کمونیسم بورژوازی است.

نگاه منصور حکمت به طبقه کارگر در پالایش چپ و درک طبقاتی از جایگاه این طبقه در انقلاب نقش مهمی داشت. او تبیینی رزمنده و مارکسیستی از کارگر بدست میدهد. و این نگاه بقول خودش سنگ بنای درک مبارزه سوسیالیستی و اهداف اقتصادی این مبارزه در جامعه است. او با این تعریف افق روشنتری از مبارزات طبقه کارگر بدست میدهد و این نگرش شیوه و سبک کار دیگری از کار در میان طبقه کارگر را می‌طلبد. در ادامه همین دیدگاه است که منصور حکمت از رابطه حزب و طبقه کارگر، حزب و جامعه و کسب قدرت سیاسی سخن میگوید. و اینها همه بطور واقعی در افزوده‌هایی بر جنبش کمونیستی در ایران است و من شخصاً از گفته‌ها و نوشته‌های او بسیار آموخته و تاثیر گرفته‌ام.

**سیما بهاری:** یکی از موضوعات دیگر مورد بحث منصور حکمت در برخورد به طبقه کارگر رابطه این طبقه با جنبش‌های اجتماعی دیگر است. کارگر برای رهایی خودش باید کل جامعه را رها کند. مکان و جایگاه سیاسی این رویکرد را چگونه می‌بینید؟

**شهلا دانشفر:** منصور حکمت در همه جا تاکیدش بر اینست که آزادی طبقه کارگر، این قشر جدید و پدیده‌ای که جامعه سرمایه داری به صورت میلیونی تولیدش میکند به آزادی کل جامعه گره میخورد. از همین رو کارگر مجبور است برای اینکه واقعا آزاد بشود کل جامعه را آزاد کند. در نتیجه خود بخود جنبش این طبقه در پیشاپیش جنبش‌های دیگر اجتماعی قرار میگیرد. این را ما امروز عملاً در مکان جنبش کارگری در انقلاب و اوضاع سیاسی ایران می‌بینیم. چطور که بقول منصور حکمت جنبش کارگری در هر کشور در طول کل قرن با بهبود اوضاع اقشار فرودست و کسانی که ستم و زوری بر آنها شده است، تداعی شده است.

بعلاوه در همین رابطه او تاکید میکند که بحث بر سر سیاست ائتلافی و جلب اقشار مختلف نیست. بلکه بحث بر سر موقعیت عینی طبقه کارگر است که برای رهایی خودش به آن احتیاج دارد و همانطور که اشاره شد کارگر نمیتواند آزاد شود مگر اینکه همه اشکال ستم را در جامعه از بین ببرد. او در ادامه سخنانش بر این اشاره دارد که جامعه را برای سرپا نگاهداشتن و حفظ کار مزدی سازمان داده‌اند. در چنین جامعه‌ای نمیشود کار مزدی داشت ولی ارتش و زندان و دادگاه نداشته باشد. و یا اینکه راسیسم در جامعه بدون وجود کار مزدی ممکن نیست. برای اینکه همه اینها اجزائی است که کار مزدی را برقرار نگاه میدارند.

بدین ترتیب تعریفی که منصور حکمت از طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی بدست



نابرابر سرمایه داری را از بین ببرد.

**سیما بهاری:** منصور حکمت از کمونیسم کارگری به عنوان جنبشی در درون طبقه کارگر یاد میکند؟ نماد بارز این بحث همین امروز در جنبش کارگری چیست؟

**شهبلا دانشفر:** از نظر منصور حکمت "کمونیست کارگری" به عنوان جنبشی در درون طبقه کارگر معنا پیدا میکند. او کمونیسم کارگری را بعنوان یک حرکت آگاهانه در درون طبقه کارگر که علیه سرمایه شکل میگیرد تعریف میکند. مبارزه ای که قدمت آن به قدمت وجود سرمایه است. کارگر معدن انگلیس نمادی از جنبش اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری است وقتی میگوید: "من پول این ذغالها را جد اندر جد با خون خودم و پدرم پرداخته ام. اینها مال من است." عین این گفته را ما هر روزه در شعارهای خیابانی کارگران، معلمان و بازنشستگان و غیره می شنویم.

ببینید کمونیسم جنبشی است علیه سرمایه داری و علیه سلطه سرمایه. جنبشی علیه استثمار کارگران توسط سرمایه داران. همانطور که اشاره شد طبقه کارگر ناچار است خود را از ستم و استثمار خلاص کند، چون هر روز بیشتر به گرسنگی و فقر محکوم میشود و برای دفاع از زندگی باید با این سیستم بجنگد و نهایتا به این سیستم پایان بدهد. نکته اینجاست که گلوگاه سرمایه در دستان کارگر است. به این معنا که کارگر ابزار قدرت و تولید اجتماعی را در دست دارد و با اعتصاب خود میتواند اقتصاد را فلج کند. بنابراین با انقلاب کارگری است کارگر میتواند خود را و کل جامعه را از این بربریت خلاص کند و این وضع را از اساس دگرگون سازد.

البته ما وقتی عبارت کمونیسم کارگری را بکار میبریم منظورمان کمونیسم مارکس است. جریانات مختلف بورژوازی و خرده بورژوازی، جریانات رفرمیستی و ناسیونالیستی مختلفی هستند که به دلایل اجتماعی گوناگون خودشان را کمونیست مینامند. ما کلمه کمونیسم کارگری را بکار میبریم تا تمایز خود را با همه اینها بیان کنیم و کمونیسم را بعنوان یک جنبش اساسا متعلق به طبقه کارگر، جنبشی که اساسش بر انسانیت گذاشته شده بشناسانیم. همانطور که جلوتر نیز توضیح دادم ما مارکسیست های درون جنبش کارگری هستیم. و مارکسیسم اساسا یک دستگاه فکری کارگری است و اگر کارگر را از آن بگیریم کل تئوری مارکسیسم بی مفهوم میشود.

**سیما بهاری:** یک درک معمول از مبارزه اقتصادی طبقه کارگر به گفته منصور حکمت در میان چپ سنتی، تحقیر مبارزه اقتصادی است. این درک محدود مشخصا در جنبش کارگری چگونه نمود پیدا کرده است؟

**شهبلا دانشفر:** منصور حکمت از یک مبارزه دائمی و بی وقفه طبقه کارگر برای بهبود زندگی سخن میگوید و این مبارزات را در همان مسیری میبیند که در آن طبقه کارگر قویتر و قویتر ظاهر میشود و در موقعیت مساعدتری برای انقلاب کارگری قرار میگیرد. کارگر برای بهبود اوضاع خود، برای جلوگیری از تنزل سطح موجود زندگی خود و برای حفظ حرمت انسانی اش در جامعه سرمایه داری ناگزیر و دائما باید دست به مبارزه برای بهبودهای اقتصادی و اجتماعی بزند. منصور حکمت در توضیح جایگاه و اهمیت مبارزه اقتصادی طبقه کارگر بر این اشاره دارد که تنها طبقه کارگری

از صفحه ۴

## طبقه کارگر از نگاه ...

میدهد و ارجاع او به مارکس و مارکسیسم، تماما بی ربطی جریاناتی را که به اسم چپ و تحت عنوان "صفت مستقل طبقه کارگر"، کارگر را از سیاست، از احزاب و از مبارزات هر روزه ای که در جامعه علیه مصایب سرمایه داری صورت میگیرد برحذر میدارند، نشان میدهد.

منصور حکمت در این مباحث در عین حال مکان عینی و اجتماعی چنین جریاناتی را نشان میدهد. جریاناتی که وقتی صحبت از مبارزه علیه اعدام، علیه تبعیض بر زن، علیه مذهب و برای آزادی های اجتماعی میشود، بین این مبارزات و آن چیزی که آنها "امر مهم طبقاتی" کارگران می پندارند، خط فاصلی میکشند و تحت عنوان "حقوق بشر" و اینکه بورژوازی هم میتواند مدعی چنین مطالباتی باشد، چنین عرصه های مهمی از نبرد طبقاتی جاری در جامعه را کوچک می شمردند. بدون اینکه ذره ای به ذهن خود خطور دهند که خیلی از چیزهایی که امروز حقوق بشر مینامند مثل حق تشکل، مثل آزادی بیان و غیره خود دستاوردهای جنبش کارگری و جنبش های آزادیخواهانه مردم است که به بورژوازی تحمیل شده است. به نظر من جریانات چپ فرقه ای با حاشیه ای شمردن چنین مبارزاتی تحت عنوان اعتراضات "دموکراتیک و حقوق بشری" "اولا اعتباری به جریانات بورژوازی میدهند. ثانیا با کنار گذاشتن کارگر از عرصه های مختلف نبرد طبقاتی در سطح جامعه تا آنجا که تاثیری دارند، کارگر را صرفا به نیروی فشاری در کارخانه که با مبارزاتش نهایتا بهبودی در سطح مزد و معیشتش ایجاد میکند تبدیل میکنند و این خود خدمتی به بقای بیشتر سرمایه داری وحشی حاکم است. چنین جریاناتی بقول منصور حکمت به اعتراضات دیگر بخش های جامعه ادای احترام میکنند اما همه حواسشان اینست که مبادا بر روی "مبارزه طبقاتی کارگر" سایه بیندازد و مبارزه کارگر را به حاشیه برد.

اما با عروج طبقه کارگر و چپ به معنایی که اینجا بحث آنرا میکنیم. این تصویر عوض شده است. امروز منصور حکمت را در اعتراضات کف خیابان می بینیم. آنجا که کارگر نفت در اعتصاب مهر ماه خود در اول انقلاب شعار زن زندگی آزادی سر میدهد. یا وقتی که کارگر از حقوق زن و علیه اعدام و سرکوب و علیه تبعیض طبقاتی در جامعه سخن میگوید. منصور حکمت را در منشور خواستهای حداقلی بیست و شش می بینیم. او را در ابراز وجود کارگر در جلوی صحنه سیاسی جامعه می بینیم. سیما بهاری: -منصور حکمت میگوید مارکسیسم یک دستگاه فکری کارگری است و نه دستگاه فکری مربوط به کارگر. جوهر اصلی بحث او در این تاکید معین از نظر شما چیست؟ مثالهای بارز این تبیین در جنبش کارگری کدامند؟

**شهبلا دانشفر:** همانطور که اشاره کردم منصور حکمت به مفهوم طبقه کارگر در مارکسیسم اشاره میکند و میگوید اگر کارگر را از مارکسیسم بگیریم دیگر مارکسیسم معنی ندارد و اساسا دیگر تئوری مارکسیستی به جا نمی ماند و مثل این است که بورژوازی را بگیرد و بخواهد از لیبرالیسم فاشیسم و محافظه کاری حرف بزند. او از مارکسیسم به عنوان یک دستگاه فکری کارگری سخن میگوید. نه دستگاه فکری مربوط به کارگر، نه تئوری انقلاب برای کارگران بلکه تئوری کارگران برای انقلاب.

بطور مثال اینطور نیست که برای رشد نیروهای مولده و یا برای رشد اجتماعی و برای عدالت اجتماعی و رفاه و غیره کارگر باید به صحنه بیاید، آنطوری که چپ سنتی میگوید و تبلیغ میکند. بلکه کارگر بعنوان طبقه مزدبگیر نمیخواهد ستم باشد، نمیخواهد نابرابری باشد و نمیخواهد تبعیض باشد و به میدان می آید. تاکید منصور حکمت این است که ما مارکسیست های درون جنبش کارگری هستیم. شما در تمامی گفته های او مارکس و مارکسیسم را می بینید که دارد قدم به قدم وارونگی ها را نشان میدهد و همه چیز را جای خود میگذارد. بدین ترتیب منصور حکمت از طبقه کارگری سخن میگوید که میخواهد کل بساط کار مزدی و سیستم سراپا تبعیض و

## طبقه کارگر از نگاه ...

از صفحه ۵



رابطه به طبقه کارگر متمایز میکند \*

**سیمیا بهاری:** یک موضوع دیگر مورد نقد منصور حکمت در برخورد به گرایش‌های دیگر موضوع طبقه کارگر و تحزب آنست، یعنی رابطه حزب و طبقه کارگر و بحث‌های مفصلی هم در مورد سازمانیابی حزبی طبقه کارگری دارد. تأکیدات او چیست و خود شما بطور عملی چه مشاهداتی دارید؟

**شهلا دانشفر:** منصور حکمت بحث خود را با نقد گرایش‌های دیگر و دیدگاه چپ سنتی به تحزب طبقه کارگر که همچون نردبان ترقی از محفل به اتحادیه و سازمان صنفی و بعد به عنوان پله نهایی به حزب میرسد، آغاز میکند و میگوید: "توده عظیمی از انسانها در ارتباط با هم در حال اعتراض به سرمایه‌داری هستند و این اعتراض وجوه و دقائق و لحظات گوناگونی دارد و اینها در اشکال مختلفی بروز و تعین پیدا میکنند که یکی از آنها حزب سیاسی طبقه است. و توضیح میدهد: "حزب نماینده و سازمان‌دهنده فعالیت‌های دائمی و ادامه کار برای امر انقلاب اجتماعی است و همه مبارزات دیگر را در چهارچوب این مبارزه عمومی برای انقلاب اجتماعی بهم مرتبط میسازد. این تحزب بنابراین ابداً آلت‌ناتیو و بدیلی در مقابل سایر اشکال فعالیت طبقه کارگر نیست".

او تأکید میکند که نمیتوان جدا از کل این حرکت اجتماعی - طبقاتی دست بکار ساختن یک حزب سیاسی برای طبقه کارگر شد. کسی که میخواهد یک حزب کمونیستی کارگری بسازد باید در کل این مبارزه همه جانبه و مرکب دخیل بشود. عضو یک واقعیت اجتماعی بزرگ و به رسمیت شناخته آن باشد و این یعنی قدرت حزب. بلکه منصور حکمت از مبارزه عمومی برای امر انقلاب اجتماعی و مرتبط کردن همه مبارزات دیگر در چهارچوب عمومی و دخیل بودن حزب در کل این مبارزه همه جانبه و مرکب سخن میگوید. چیزی که برای چپ سنتی غریبه و ناشناخته است. بطور واقعی کارگران و کل مردم در ایران با جنگ هر روزه شان در تمام جبهه‌ها با رژیم اسلامی سرمایه داران درگیر یک نبرد طبقاتی زنده و هر روزه اند و مبارزه علیه مذهب و علیه مقدسات یکی از جبهه‌های مهم این نبرد است. نبردی که یکسرش مبارزه برای افزایش دستمزدها و علیه فقر و گرانی و دستمزدهای پرداخت نشده و جهنمی است که رژیم برای کارگران و کل جامعه ساخته است، و سر دیگرش جنگ هر روزه علیه حجاب، علیه سنگسار، قوانین ارتجاعی اسلامی، و برای دست‌یابی به جامعه‌ای آزاد، سکولار، برابر و انسانی است. جنگی که کلیت حاکمیت رژیم اسلامی را با ماشین سرکوب و جنایتش به چالش کشیده است. اما برای چپ سنتی و فرقه‌ای دیدن این واقعیت عظیم و همه جانبه دشوار است. اینها همه جریاناتی هستند که به اسم چپ سخن میگویند و عملاً در کنار راستترین جناح و سیاست‌های حاکمیت قرار میگیرند.

منصور حکمت درک مشخص از رابطه حزب و طبقه کارگر را یکی از شاخص‌های مهم جریان ما میداند و در نقد نگرش چپ غیر پرولتری مینوسد: "یکی از ارکان نگرش تشکیلاتی چپ غیر پرولتری در ایران دو قطبی حزب - توده‌ها است. در این تصویر در یکسو حزب یا سازمان قرار دارد به مثابه یک ارگانیم فشرده، منضبط، رزمنده و آگاه برای عمل انقلابی، و در سوی دیگر، توده‌های کارگر قرار میگیرند، بصورت جمع عددی آحاد کارگر، یک توده بی‌شکل از کارگران منفرد، متفرق، مظلوم واقع شده ساده دل و بی‌اطلاع از علل فقر و رنجشان. سازمان "درد" کارگران را میداند، آنان را آگاه میکند، به ضرورت مبارزه واقف‌شان میسازد و یک به یک آنان را

که در جریان پیشروی طبقاتی باشد میتواند به همه چیز چنگ بیندازد و کل انقلاب کارگری را بخواهد. منصور حکمت از مبارزه اقتصادی طبقه کارگر بعنوان جزء لاینفک وجود اجتماعی کارگر و مبارزه‌ای تعطیل‌ناپذیر سخن میگوید و نتیجه میگیرد که حزب کمونیستی که میخواهد حزب کارگران باشد باید بدو در این قلمرو فعال باشد. تحقیر مبارزه اقتصادی و صنفی دیدن صرف آن و بر اساس آن ندیدن جایگاه این مبارزات در تحولات سیاسی جامعه از سوی جریانات چپ سنتی و حاشیه‌ای خود را در برخورد به خیزش‌های مردمی این چند ساله و در انقلاب زن زندگی آزادی را به روشنی نشان داده است.

**سیمیا بهاری:** در پرتو این بحث نگاه منصور حکومت به مطالبات کارگری چیست؟

**شهلا دانشفر:** وقتی به مبارزات جاری نگاه میکنیم مبینیم منصور حکمت مثل یک رهبر کارگری کمونیست ظاهر میشود. ما این چهره را در کتاب کار ارزان کارگر خاموش و در مباحث این میز گرد مبینیم. به مباحثی که منصور حکمت در میز گرد حول قانون کار جمهوری اسلامی دارد مراجعه کنید. تصویری که او از کارگر و مطالباتش بدست میدهد به راستی یک درافزوده مهم به نگرش ما به طبقه کارگر، موجودیتش، مبارزاتش و خواسته‌های اوست.

او در این مباحثات وقتی از سطح توقعات و خواسته‌های کارگران صحبت میشود، با اشاره به اینکه شرایط سرمایه‌گذاری در دنیا به سمت استاندارد شدن می‌رود اما شرایط کارکردن در چهارچوبه‌ای که مرزی دور آن کشیده اند و در زیر سرنیزه‌های دیگری است، میگوید یک شاخص مهم در بر شمردن مطالبات طبقه کارگر اینست که این مطالبات و خواسته‌های کارگر با پیشرویه‌های انسان قرن امروز و پیشرویهایی که طبقه کارگر در سطح جهانی داشته و با رشد هر روزه تکنولوژی مطابقت داشته باشد. همچنین الگوی او آخرین پیشرفت‌های جهان متمدن امروز است و در تعیین حقوق و مطالبات کارگران بر مطالبات بخش پیشرو جنبش طبقاتی در جهان تأکید دارد و با همین دیدگاه به بحث ساعت کار، میزان دستمزد کارگر و حقوق و مطالبات دیگر طبقه کارگر پاسخ میدهد.

و بالاخره اینکه منصور حکمت تأکید دارد که باید تصویر کارگر را از خودش و از موقعیتش در جامعه تغییر داد و بر همین اساس ذهنیت جامعه را نیز از موقعیت کارگر و زندگی و مبارزه‌اش باید عوض کرد.

منصور حکمت در عین حال به شرایط مشخص توجه دارد و از توازن قوا و از اینکه کارگر چقدر زورش میرسد تا مطالبات و خواسته‌هایش را بکرسی بنشانند سخن میگوید و بر یک مبارزه دائمی و بی‌وقفه طبقه کارگر برای بهبود زندگی‌اش اشاره دارد.

با این متدلوژی است که منصور حکمت به مبارزه اقتصادی طبقه کارگر و مطالباتش نگاه میکند. چنانکه اساس این نگرش را میتوان در شکل شفاف و فرموله‌تری در شاهکار او در یک دنیای بهتر دید. با این دیدگاه منصور حکمت میکوشد بینش طبقه کارگر نسبت به خودش و موقعیت اجتماعی‌اش را تغییر دهد. اینکه کارگر بعنوان یک انسان حق دارد همانند هر شهروند دیگری در جامعه از نعمات آن جامعه بهره‌مند باشد. اینکه کارگر در دنیای متمدن جهان امروز با توجه به پیشرویهایش در عرصه تکنولوژی و دستاوردهایش از بالاترین استانداردهای زندگی بشر متمدن امروز برخوردار باشد و همچنین جهانشمول بودن حقوق طبقه کارگر همه و همه گوشه‌هایی از نحوه نگرش او به طبقه کارگر، خواسته‌ها و مطالبات او و مبارزاتش است. با این دیدگاه منصور حکمت افق و تصویر روشنی از مطالبات و مبارزه اقتصادی در مقابل طبقه کارگر قرار میدهد و همه جا تمایز خود را با گرایش‌های چپ سنتی و بی



نام میبرد و ساختمان این شوراها را توضیح داده و میگوید شورا مجمع عمومی منظم و سازمانیافته کارگر است. او با توضیح و ترسیم دقیق ساختمان شوراها به شرایط مشخص ایران میپردازد و میگوید یک راه حل فوری برای سازماندهی توده ای طبقه کارگر در

شرایط امروز شکل گیری و گسترش جنبش مجمع عمومی کارگری است و مجمع عمومی کارگری را نطفه های پایه تشکیل شوراها میداند. آبان ۶۶ یعنی ۳۶ سال پیش بود که منصور حکمت قطعنامه در باره تشکلهای توده ای طبقه کارگر تحت عنوان «شورا، مجمع عمومی، سندیکا» را نوشت. و در طول همه این سالهای می بینیم که مجمع عمومی به عنوان مکانی برای اعمال اراده مستقیم کارگری چه جایگاه مهمی در جنبش کارگری داشته است و امروز میبینیم که با عروج طبقه کارگر به جلوی صحنه سیاسی جامعه آلترناتیو شوراها مقابل کارگران قرار میگیرد. کارگر نیشکر هفت تپه از این میگوید که برای اینکه جلوی فساد از بالا تا پایین را بگیریم باید در همه جا اداره شورایی باشد و یک بند منشور خواستههای حداقلی بیست تشکیل شوراهاست. به عبارت روشنتر امروز یک مشخصه فعال کمونیسم در ایران تعلقش به جنبش شورایی و جنبش مجمع عمومی کارگری است. جنبش شورای جلو آمده است.

**سیما بهاری:** نقش طبقه کارگر در تحولات سیاسی و مبارزه سیاسی و اقتصادی و جایگاه هر کدام موضوع دیگریست که منصور حکمت در نقد گرایشات چپ بورژوازی و غیر کارگری به آن میپردازد. بحث او چیست و مصداق گفته های او در جریان اعتراضات کارگری را چگونه توضیح میدهند؟

**شهلا دانشفر:** منصور حکمت در رابطه با اوضاع سیاسی امروز و ورود طبقه کارگر به عرصه مبارزه سیاسی، میگوید بطور کلی مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در جامعه کاپیتالیستی تقابل سیاسی در جامعه را نشان میدهد و طبعاً در ایران مبارزه طبقه کارگر بنا به ماهیت شرایط کاملاً سیاسی است، حتی اگر کارگر فقط دستمزدش را بخواهد. در همین رابطه او از شکل بروز اعتراضات کارگری و تفاوت آن با مبارزات بخش های دیگر جامعه صحبت کرده و بر قدرت کارگر در موقعیت اقتصادی اش تأکید میگذارد و مثال می آورد که چگونه کارگران نفت در زمان شاه با اعتصابشان تولید را تحت کنترل خود گرفتند.

او با توجه به شرایطی که طبقه کارگر در ایران بسر میبرد و با توجه به تهاجمی که هر روزه به زندگی و معیشت آن میشود استدلال می کند که فقر و ناامنی کارگر الزاماً به اعتراض و مبارزه منجر نمیشود و حتی میتواند کارگر را در مبارزه اش محافظه کار کند. و یا کارگری که ماهها دستمزدی نگرفته ممکن است نتواند برای مدتی طولانی دست به اعتصاب بزند. بنابراین در مقابل این وضعیت جنبش کمونیستی وظیفه دارد که استراتژی روشنی در مقابل طبقه کارگر قرار دهد. و همانجا خود بر نقش مجمع عمومی کارگری تکیه میکند. میگوید مجمع عمومی کلید مهمی برای برون رفت طبقه کارگر از این وضعیت است.

در همین بحث منصور حکمت وقتی از رابطه خواستها و مبارزات طبقه کارگر با بخش های مختلف جامعه سخن میگوید به تقابل با گرایشات موسوم به «کارگر کارگری»، گرایشاتی که کارگر را تنها بصورت یک صنف میبیند و آنرا از سیاست و احزاب برحذر میدارد، گرایشی که از نظر او مبارزه زنان، دانشجویان و دیگر بخش های جامعه ربطی به کارگر ندارد، می ایستد و میگوید: «کارگر بودن به معنی بایکوت بقیه جامعه نیست. خلقی ترین، ملی ترین و ناسیونالیست ترین جریانات سیاسی

## طبقه کارگر از نگاه ...

از صفحه ۶

به صفوف خود، یعنی به مبارزه مضبوط تشکیلاتی در درون سازمان، جذب میکند. این برداشت از رابطه حزب و طبقه در واقع تعمیمی مبتنی بر زیست اجتماعی و مکانیسم رهبری و مبارزه سیاسی خرده بورژوازی است. نگرش سرمایه به کارگر در تولید، پایه و مبنای نگرش چپ به کارگر در عرصه سیاست است. و توضیح میدهد که چگونه وقتی این چپ میخواهد از کارگر سخن بگوید صرفاً متوجه محرومیت و فقر اوست و در تئوری هایش هم کارگر به روشنی از زحمتکش و رنجبر و فقیر بطور کلی قابل تمیز نیست

"این چپ راجع به اینکه این طبقه کارگر بعنوان یک پدیده اجتماعی در چه موقعیتی است و چه میکند، آیا اساساً زندگی و سوخت و ساز سیاسی، فرهنگی، معنوی و هنری ای دارد یا خیر، آیا اعتراضی در درون آن در جریان است یا خیر و اشکال این اعتراض کدامند و غیره چیز زیادی نمیداند. این چپ کمترین تبیین و تحلیل را از این مساله دارد که کارگر در آنسوی تولید و اشتغال در اجتماع چیست."

او میگوید: حزب ما حزبی نیست که یک عده مصلح اجتماعی برای نجات طبقه کارگر تشکیل داده باشند، بلکه حزبی است که بخش و گرایشی در درون خود طبقه کارگر برای متحد کردن و هدایت کل طبقه کارگر در جهت اهداف طبقاتی اش تشکیل داده است. ما نه یک حزب سیاسی خارج طبقه بلکه حزب یک گرایش انتقادی، با نگرش اجتماعی معین، در درون خود طبقه هستیم که مواجهه فکری و سیاسی و عقیدتی با گرایشات دیگر درون طبقه کارگر برای ما جایگاه مهمی دارد.

**سیما بهاری:** بحث دیگر منصور حکمت در مورد سازمانیابی توده ای کارگر است. رویکرد منصور حکمت چه بود و امروز در جنبش کارگری چه میگذرد؟

**شهلا دانشفر:** در بحث مربوط به تشکل های توده ای طبقه کارگر، منصور حکمت تأکید میکند که در کنار تشکلهای حزبی طبقه، تشکلهای توده ای کارگری یک رکن اساسی مبارزه طبقاتی کارگران است. او تأکید میکند که پیشروی و پیروزی در مبارزه طبقاتی بدون پیدایش و تقویت این تشکلهای و اتحاد وسیع توده های طبقه کارگر از طریق آنها ممکن نیست. منصور حکمت بحث بر سر تشکلهای توده ای کارگری را فراتر برده و به شکل معینی از این سازمانیابی یعنی جنبش شورایی تأکید میگذارد. این مبحث از نوشته های او به نوبه خود باز شاهکاریست که بار دیگر چشم ما را بروی گرایشات مختلف درون جنبش کارگری و آلترناتیو های طبقاتی متفاوت برای سازمانیابی توده کارگران باز میکند. او در مورد جنبش شورایی مینویسد: "اینهم فقط یک الگو نیست، بلکه آلترناتیو یک جریان اجتماعی خاص و یک گرایش خاص در درون طبقه کارگر برای سازماندهی کارگری است." او میگوید شوراها مدتهاست که بطور روزافزونی با کمونیسم تداعی شده و پیوند خورده است. تجاربی نظیر کمون پاریس و انقلاب اکثر، ایده شوراها و سازمانیابی شورایی کارگران را به تئوری کمونیسم و سیاست کمونیستی جوش داده است. جنبش شورایی نیز به این ترتیب جزئی از یک حرکت اجتماعی متمایز، با افق و دورنمای سیاسی، اقتصادی و اداری خاص خود است.

منصور حکمت همه جا تأکید میکند که ما به جنبش شورایی معتقدیم و شعار اصلی و سیاست عمومی ما در زمینه سازماندهی توده ای، تبلیغ و ایجاد شوراها، کارگری و سازماندهی شورایی طبقه کارگر است و میگوید: "بحث شورا و سندیکا" بحثی بر سر انتخاب یکی از الگوهای تشکل توده ای کارگری نیست. این انعکاس جدال آلترناتیوهای دو گرایش اساسی در درون طبقه کارگر است. گرایش کمونیستی و رادیکال و رفرمیستی و سوسیال دمکرات. " (تشکلهای توده ای طبقه کارگر جلد ششم مجموعه آثار م ح)

منصور حکمت سازمان شورایی را پیشروترین شکل سازمانیابی توده ای کارگران

## تجمعات بازنشستگان کشوری علیه فقر و گرانی و احضارها



عیدی مصوب سال ۱۳۸۶، اجرای ماده ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد بیمه کارآمد، اجرای ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و افزایش حقوق برابر با نرخ تورم، پرداخت معوقات احکام همسان سازی سال ۹۹، و پاداش پایان خدمت بازنشستگان ۱۴۰۱

یک گفتمان مهم در میان بازنشستگان تجمعات مشترک بخش های مختلف کشوری، لشکری، مخابرات و تامین اجتماعی با هم است. دزدیها و اختلاسها از صندوقهای بازنشستگی و خالی شدن صندوق ها، و همچنین اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار، سرکوبگریهای حکومت و امنیتی کردن مبارزات و دستگیریها، سطح نازل حقوقها و افزایش نجومی قیمتها، بی تامینی و محرومیت از درمان رایگان، موضوعات مشترک اعتراضی ۲۵ میلیون بازنشسته در سطح سراسری است.

بازنشستگان در اعتراضاتشان بر خواستهایی چون اجرای همسان سازی و افزایش حقوق ها به بالای خط فقر ۳۰ میلیونی، درمان رایگان، تحصیل رایگان و آزادی معلمان زندانی تاکید کرده و این مطالبات بر بنیهایی که در دست گرفته اند نقش می بندد. اعتراضات گسترده بازنشستگان و شعارهای اعتراضی کوبنده آنها در شهرهای مختلف در فضای سیاسی متلاطم جامعه یک رویداد مهم است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از مبارزات بازنشستگان بر اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف بازنشستگان و حمایت وسیع مردم از آنها تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۰ مرداد ۱۴۰۲، ۱ اوت ۲۰۲۳

در ادامه تجمعات پی در پی اعتراضی بخشهای مختلف بازنشستگان، امروز ۱۰ مرداد بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته به روال دیگر سه شبه ها تجمع و اعتراض کردند و در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی علیه دست دزدان حاکم شعار دادند. اعتراض بازنشستگان کشوری به فقر و گرانی و همچنین به دستگیریها و بازداشتها و احضار معلمان معترض است. بازنشستگان کشوری به پاسخ نگرفتن خواهشهایشان اعتراض دارند. این تجمعات در شهرهای سنندج، کرمانشاه، شیراز، اردبیل و یزد برگزار شد. در این تجمعات شمار زیادی از معلمان بازنشسته شرکت داشتند و حضور زنان از جمله در سنندج چشمگیر بود.

در یزد بازنشستگان شعار میدادند: "تحد، اتحاد، علیه فقر و فساد". در سنندج معلمان بازنشسته شعار میدادند: "تورم، گرانی، بلای جان مردم" و در کرمانشاه بازنشستگان با فریاد "تا حق خود نگیریم از پای نمی نشینیم" بر تداوم اعتراضاتشان تا تحقق خواستههای خود تاکید داشتند.

دیگر شعارهای این تجمعات عبارت بودند از: "معلم بیدار است، از تبعیض بیزار است"، "اجرای همسان سازی حق مسلم ماست"، "معلم زندانی آزاد باید گردد".

خواستههای فوری اعلام شده از سوی معلمان بازنشسته و بازنشستگان لشکری در فراخوان امروز عبارت بودند از: آزادی معلمان و همکاران زندانی، همسان سازی حقوق بازنشستگان با ۹۰ درصد حقوق شاغلین هم تراز به استناد ماده ۳۰ برنامه ششم توسعه، تنظیم مادهی الحاقی شفاف در برنامه هفتم توسعه در مورد همسان سازی حقوق بازنشستگان، اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶، اصلاح ماده ۷۵ قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد افزایش امتیاز

## طبقه کارگر از نگاه ...

از صفحه ۷

کمونیسم کارگری، عضویت کارگری، بحث پیرامون شکل های توده ای طبقه کارگر، بحث در باره آژیتاتور و آژیتاسیون علنی و همچنین مباحث او در میز گرد حول قانون کار جمهوری اسلامی و بالاخره سخنرانی او در کنگره سوم حزب در مورد مبارزه سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر از جمله شاهکارهایی است که جوهر دیدگاه او را در رابطه با طبقه کارگر و مبارزات این طبقه بیان میکند. منصور حکمت را باید خواند و آموخت. طبعاً بحث بر سر منصور حکمت و دیدگاههای او در زمینه جنبش کارگری بحث وسیع و همه جانبه ایست اما من کوشیدم در خطوط کلی به گوشه هایی از بینش منصور حکمت در این عرصه اشاره کنم.\*

طرفدار جنبش های کارگری ای در کارخانه هستند که فقط در کارخانه بماند، به کسی هم کاری نداشته باشد و بشود شاخه کارگری حکومت مصدقی ایشان". در ادامه این بحث است که میگوید کارگر باید بخواد روی اقشار دیگر تاثیر بگذارد، از تحرکشان استقبال کند و آنرا بخودش مربوط بداند. او معترضان به بحث خود ادامه میدهد و میگوید کارگر را میفرستند دنبال مزدش و سیاست را به دیگری می سپارند و تاکید میکند که مقابله با جریانات ناسیونالیست و لیبرالی که میخواهند کارگر کارگر باشد وظیفه ماست.

همانطور که میبینید یک جنبه بسیار آموزنده و مهم در نگرش منصور حکمت بر خورد او به جنبش کارگری و تبیین او از قانونمندیهای حرکت طبقه کارگر در زیست، در تولید و در مبارزه است. منصور حکمت میگوید برای سازماندهی طبقه کارگر باید قانونمندیهای مبارزه او را شناخت و ویژگی ها و اوضاع و احوال مشخص طبقه کارگر در ایران و در اوضاع سیاسی معین را توضیح داد و او خود با این کار خط متمایز روشنی با چپ سنتی و گرایش "کارگر کارگری" و گرایش غیر مرتبط به طبقه کارگر بدست میدهد. نوشته های سیاست سازماندهی ما در میان کارگران، مبانی







## استثمار با طعم فریب و سرکوب

گزارشی در سایت حکومتی ایلنا با عنوان "قهوه با طعم استثمار" منتشر شده است. این گزارشی است از کارگران جوانی که عمدتاً دانشجوی هستند که در "کافه‌ها و برخی کافه رستوران‌های خاص" بدون حقوق مشغول کارند. در این مکانهای شیک، صاحب کافه یا رستوران به خود اجازه نمیدهد به مانند برخی از صاحبان کارواشها که با بی حیایی تمام پلاکاردی بزرگ بر دیوار بکوبند "کارگران کارواش حقوق ندارند، لطفا انعام خدمتگذاران خود را فراموش نکنید". اما به مانند کارفرمایان در کارواشها با بی شرمی تمام به کارگران جوانی که "در این گروه؛ مشاغلی مانند سالن کاری (ویتر) و قهوه و نوشیدنی سازی (باریستا) و آشپزی در کافه‌ها، رستوران‌ها و بسیاری مراکز مشابه دیگر که در فهرست مشاغل خدماتی درون شهری قرار دارند، بعد از یک دوره که مدعی اند آزمایشی بوده، کارگر نگون بخت را اخراج کنند بدون آنکه بابت کار آنها ربالی پرداخت کنند. در گزارش ایلنا با چندین تن از کارگران مصاحبه صورت گرفته که شیوه‌های بی شرمانه این دسته از کارفرمایان را باز گو میکنند.

بنا به گزارش مذکور "بطور خلاصه ... کار به جایی رسیده است که کارفرما و صاحب محل کسب با آگهی کارجو را به کار فرامی خواند و پس از مدتی با وی تماس گرفته و وی فوراً وارد فرآیند سخت و دشوار کار در کافه‌های شلوغ شهرهای بزرگ (به ویژه تهران) می‌شود، اما در پایان دوره موسوم به کارآموزی یا آزمایشی کارفرمای آگهی دهنده به بهانه‌های مختلف کارجو را رد کرده و به این دلیل که فعالیت وی آزمایشی و کارآموزی بوده است، هیچ حقوقی پرداخت نمی‌کند؛ دردناک اینکه بسیاری دیده‌اند که برخی از این صنوف صدها بار آگهی مشابه را پخش کرده و نفرات مختلف را به نوبت نگه می‌دارند و هر دو هفته از نیروی کار رایگان آنها حداکثر استفاده را می‌کنند و سپس عذر آنها را می‌خواهند."

این محیطهای کار به ظاهر بسیار شیک و امروزی، محیطی هستند پر استرس با فشار کاری بالا؛ کارفرما شرایط را به گونه ای فراهم میکند که کارگر فراری شود، بخصوص در مورد کارگران زن، یا اینکه مدعی میشوند: "بنابر نظرسنجی یا نظر تیم اداره کننده با شما کار نخواهیم کرد؛" و یا اینکه کارفرما بهانه ای جور میکند مانند این که: "او یک نیروی ماهر داشته و آن نیروی ماهر برگشته" و بدین ترتیب عذر کارگر را میخواهند و یا به خال روی پیشانی کارگر ایراد میگیرند که مشتری از این وضعیت خوشش نیامده!

در یک جستجوی ساده متوجه میشوید کارگر سالن کار یا "ویتر"، تنها یک "گارسون" ساده نیست که کار فیزیکی سرو غذا را به عهده داشته باشد، بلکه به مانند یک دستگاه تبلیغاتی باید عمل کند. او علاوه بر اینکه باید خوش تیپ و خوش سیما باشد، باید بتواند با زبان چرب و نرم مشتری را راضی و سر کیف کند و تا باخاطره خوش از رستوران برود و مشتری دائمی گردد. موردی که در این جستجوی اینترنتی برای شناخت این شغل متوجه میشوید این است بعد از اینکه کارگر ویتر چگونه باید باشد و چه کارهای بر عهده اش است و چگونه باید عمل کند، به مسئله دستمزد که میرسد مشخص میشود هیچ ضابطه خاصی برقرار نیست. در آنجا به صراحت اعلام شده: "برای تعیین حقوق شغل ویتر در درجه اول باید اطلاعات کافی از میزان فعالیت و وظایف محول شده به ویتر، مهارت و تخصص وی و همچنین شرایط محیطی که در آن کار می‌کند داشته باشیم.

## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

داشتن تخصص و مهارت بالاتر و انجام وظایف بیشتر باعث می‌شود تا در نهایت حقوق بیشتری هم پرداخت کنید. البته شرایط کارفرما هم بسیار تأثیر گذار می‌باشد و به همین دلیل میزان دریافتی حقوق افراد در مراکز مختلف کاملاً متفاوت می‌باشد و نمی‌توان برای آن مقدار مشخصی را تعیین کرد. و همین "البته شرایط کارفرما بسیار تأثیر گذار می‌باشد" گویایی خشونت است که پشت ظاهر شیک کافه رستورانهای خاص در جریان است.

در گزارشی که ایلنا تنظیم کرده همه این خشونت و ستمگری تنها به "عدم وجود برخی ضوابط و ملاحظات در نظارت‌ها" تقلیل داده شده و استثمار را به پرداخت نکردن حقوق خلاصه کرده است. در این گزارش همه چیز به عرضه و تقاضای نیروی کار ربط داده شده و از قول یک "کارشناس مسایل اقتصادی" مدعی شده: "از آنجا که تقاضای اشتغال در محیطهای داخل شهری بالاست، دست کارفرمایان در هر نوع چانه زنی مزدی و حقوقی و تحمیل شرایط مختلف باز است؛ لذا در برخی صنوف مشکل اصلی افزایش شدید بیکاری اقشار جوان جامعه شهری است." به واقع اما در این کافه رستورانها عملاً "طرح استاد و شاگردی" در حال اجرا است. و باز هم مشکل خود کارگر است که میخواهد مثلاً "در یک جای خاص" و "فرهنگی" مشغول به کار باشد. بهر حال گزارشگر چندان بی انصاف نیست و رفته سراغ یک شخص محترم دیگر به اسم بیات، از مزدوران سرمایه در خانه کارگر واحد شرق تهران، و ایشان از این دسته از کارگران خواستند: "در صورت مشاهده چنین مواردی فوراً (این "فورا" ایشان ما را کشته!) شکایت‌های خود را به ادارات کار مطرح کنند. در چنین مواردی کارگران به دفاتر شوراهای اسلامی کار، خانه‌های کارگر و انجمن‌های صنفی کارگری در سطح شهرها مراجعه کنند تا ما بتوانیم به کمک و راهنمایی آنها بیاییم و از حقوق آنها حمایت کنیم(!؟)" البته ما به تجربه تلخ چهار دهه گذشته میدانیم دفاع ایشان از حقوق کارگر درست معکوس عمل کرده و تماماً به ضد کارگران تمام شده است.

گزارشگر در این گزارش اشاره میکند که بازرسین کار از سوی وزارت کار به این کافه و کافه رستورانهای خاص سرکشی میکنند، اما نه برای رسیدن حق به حقدار، بلکه عمداً برای اینکه بوسیله کارفرما تطمیع شوند و بلغزند! به روایت یکی از کارگران، این بازرسان رشوه پولی هم نمی‌گیرند که ردی از خود به جای نگذارند، بلکه مشتری ماهانه یک کافه رستوران میشوند. گزارشگر می‌نویسد: "قاعدتا دریافت رشوه به صورت‌های دیگر قابل ردگیری است اما بازرسانی که روی آنها نظارتی نباشد، ممکن است هر لحظه بلغزند و لیست‌های بیمه، قراردادهای و نیروهای یک مجموعه را بررسی نکنند." همین هر لحظه لغزیدن این بازرسان تماشایی است. و محض نمونه شخصاً در تمام این سالهای که کارگری کردم یک مورد سراغ ندارم که یک بازرس "تلغزد". شاید هم اگر بوده "بازرسان بالاتر" یک جورهایی حالی اش کردند که باید در این بازرسی‌ها بلغزد و تطمیع شود و هوای کارفرما را داشته باشد و گر نه خودش اخراج میشود.

آگهی‌ها فریبکارانه برای دعوت به کار مسئله امروز و دیروز نیست. یک رویه ثابت است. استثمار بدون فریب کاری ممکن نیست. و این دو هیچکدام بدون

## گرانی نان: بازی با آتش - خلیل کیوان



اگر برای مقامات ریز و درشت حکومتی، مسئولین استانی و صنفی و خبرگزاریهای رسمی، گرانی نان و اخبار مربوط به آن صحنه یک تئاتر مسخره است برای مردمی که زیر بار گرانی خرده شده اند این گرانی اما مرحله دیگری از جنگ حکومت با مردم است. بازی با قوت لایموت مردم بازی با آتش است. گرانی نان مثل گرانی بنزین ممکن است منجر به شورش های تازه ای شود. اینبار اما مثل گذشته سرکوب چنین شورش برای رژیم ساده نخواهد بود.

توازن قوا بنفع مردم تغییر کرده است. جنبش بی حجابی نفس رژیم را گرفته است. جنبش های اجتماعی مختلف گریبان حکومت را رها نکرده اند. در یک برآمد تازه زنان، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان و جوانان و کارگران متحدتر و همبسته تر و سازمانیافته تر بمیدان خواهند آمد. اینبار شورش گرسنگان و مردمی همبسته و یکدل میتواند پایان کابوس ۴۴ ساله را رقم بزند.

مندرج در ژورنال شماره ۴۹۰

قیمت نان از اوئل مرداد در استان خراسان رضوی بدون اعلام قبلی ۴۰ درصد افزایش یافت و بسرعت در ۱۳ استان دیگر نیز ۴۰ درصد گرانتر شد. در حالیکه مسئولین صنفی و خبرگزاری ها از افزایش قیمت نان خبر میدهند احمد وحیدی وزیر کشور میگوید چنین چیزی در دستور نیست.

تئاتر مسخره ای براه انداخته اند. مثل موارد قبلی همچون گرانی بنزین در سال ۹۶ که با اعتراض شدید مردم روبرو، و بطور وحشیانه ای به خون کشیده شد و رئیس دولت وقت حسن روحانی مسئولیت گرانی بنزین را بعهدہ نگرفت، دولت فعلی هم میگوید نقشی در گرانی نان ندارد.

به هر رو، چه افزایش قیمت نان با نقشه و برنامه قبلی حکومتی و اجرای گام به گام، پلکانی و خزنده صورت گرفته باشد و چه در رقابت های صنفی استارت آن زده شده باشد بسرعت به همه کشور سرایت خواهد کرد. اگر افزایش قیمت نان با نقشه قبلی باشد انکار آن از سوی دولت ناشی از وحشت شان از عکس العمل مردم است و اگر اصناف آغازگر این گرانی باشند حکایت از این دارد که دولت کنترل خود را بطور روزافزون بر اداره کشور از دست میدهد.

دو سال پیش دولت ۲۵ درصد قیمت نان را افزایش داد. با احتساب افزایش کنونی ظرف مدت کوتاهی قیمت پایه ای ترین خوراک مردم ۶۵ درصد گران شده است. این افزایش قیمت برای اکثریت مردم که فی الحال از گرانی قیمت ها به تنگ آمده اند قابل تحمل نیست.

از صفحه ۹

## استثمار با طعم فریب و ...

پشتوانه یک دولتی که پشت سر سرمایه داران است، ممکن نیست. نقش دولت تضمین استثمار کارگران است اگر شد با فریب، نشد به زور دنگ؛ سرکوب. نمونه معادن آق دره همین روزها به خوبی گویا این است وقتی وقتی فریب عمل نکنند، سرکوب فیزیکی کارگر مهمترین روشی است که حکومت استثمارگران میشناسد.

نمونه کافه رستورانهای خاص اصلا تازه گی ندارد. استثمار بی حد و حصر کارگران یک رویه روتین در جمهوری اسلامی است که همیشه با فریب اساتید اقتصاد و مزدوران سرمایه در تشکیلاتهای سیاه همراه بوده است. هیچ کارفرمای عاقلی آگهی نمیزند که ما خواستار چند نیروی جوانیم جهت بهره کشی! فریب کاری و استثمار بی حد و حصر. بلکه این روش روتین نظام سرمایه داری است. حواله دادن به "ضوابط قانونی" و وجدان خود کارفرما تازه وقتی مطرح میشود که موضوع چنان گذش بالا آمده که مجبورند در موردش حرف بزنند.

نمونه شرایط کار، کارگران کافه ها و کافه رستورانهای خاص؛ تنها یک نمونه دیگر از استثمار بی حد و حصر جاری به پشتوانه دولت اسلامی سرمایه است که از شرایط خاص این بخش از کارگران سوءاستفاده کامل را می کنند. این روشهای کاملا قانونی و خلاف در جمهوری اسلامی تابع هیچ ضابطه ای نیست. قانون و ضابطه روابط کار حکومت اسلامی سرمایه داران به ضرب سرنیزه جاری میشود. و اما مبارزه بی وقفه کارگران در این شرایط تنها گوشه کوچکی از قدرت کارگران است که خبرگزاری ایلنا مجبور به انتشار اینچنین گزارشهایی است. و این شرایط یکبار دیگر تاکید بر این است که تنها با سرنگونی دولت اسلامی سرمایه و بدست گرفتن قدرت توسط شوراهایی که توده مردم قانونگذار و مجری آن هستند، میتوان به این پروسه استثمار نقطه پایانی گذاشت.

## کودکان کار در ایران؛ زندگی دردناک و نیاز به

### حمایت

صاحب نانوائی پسرکودکی را بعنوان خمیرگیر در نانوائی اش بکار گرفته با پولی کم و این کودک کار هنگام رفتن برای آوردن خمیر و رساندن به شاتر نانوا، به شکل خطرناکی داخل دستگاه خمیرگیر افتاده و گیر کرده است. او به سختی جان سالم به در برده، ولی نه اولین کودکی است که در معرض چنین خطراتی قرار دارد و نه آخرین خواهد بود. کودک کار با کار کودکان به دلیل فعالیت های اقتصادی، که باعث آسیب جسمی، روحی و روانی کودکان می شود، شناخته می شود.

به گفته مجلس شورای اسلامی، بین ۳ تا ۷ میلیون کودک کار در ایران مشغول به کار هستند. هزینه های زندگی و رفاه اجتماعی در ایران باعث شده که بسیاری از خانواده های حاشیه نشین، کودکان خود را مجبور به کار در خیابان ها کنند، که این امر منجر به ترک تحصیل آن ها می شود و آن ها در معرض خطرات جسمی، جنسی و روانی، به ویژه خشونت در خانواده و در خیابان قرار می گیرند.

#کودکان کار #ژن ژیان نازادی  
شورای هماهنگی تشکلهای صنفی  
فرهنگیان ایران

(برگرفته از مدیای اجتماعی)



## طبقه کارگر در آستانه یک ساله شدن انقلاب "زن، زندگی، آزادی"

مهرن محبی



روشنی میتوان دید. و این خود تأکید و اصراری بر ادامه انقلاب است. همه این شواهد تأکیدی بر اینست که جمهوری اسلامی محکوم به سرنگونی با انقلاب "زن، زندگی، آزادی" است. به عبارت روشنتر انقلاب جاری سر

باز ایستادن ندارد و جمهوری اسلامی

محکوم به سرنگونی و فنا است، همانطور که جامعه برای رهائی خود محکوم به ادامه و به سرانجام رساندن انقلاب است. هیچ راه دیگری میان مردم و حکومت باقی نمانده است و این را طی یک سال گذشته مردم به حکومت اعلام کرده اند.

در مدت یک سالی که از عمر انقلاب می گذرد، چه در ماههای اول که آتش جنگ میان مردم و حکومت در خیابانها شعله ور بود و چه دوره اخیر که انقلاب فرم و آرایش خود را تغییر داده است، نقش طبقه کارگر، شامل کارگران، معلمان و بازنشستگان برجسته بوده است. در جریان اعتراضات خیابانی انقلاب ده ها کارگر مانند نیکا، حدیث و شادمهر در همه شهرها از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب هدف گلوله مزدوران قرار گرفتند و جانباختند. محسن شکاری، محمد مهدی کرمی، محمد حسینی، مجیدرضا رهنورد و متهمان موسوم به خانه اصفهان و دو جوان اهل افغانستان که با پرونده سازی در رابطه با بمب گذاری شاهچراغ اعدام شدند، همه کارگر بودند. بیشتر تشکلهای ارائه دهنده و امضاء کننده منشور مطالبات حداقلی از کارگران، معلمان و بازنشستگان در کنار تشکلهای اجتماعی بودند. علاوه بر اینها کارگران نفت و گاز در عسلویه و چند شهر جنوبی دیگر در حمایت از انقلاب دست به اعتصاب زدند.

حالا در آستانه فرا رسیدن ۲۵ شهریور سالروز قتل مهسا امینی و شروع انقلاب "زن، زندگی، آزادی" جامعه و بویژه جوانان در حال آماده شدن برای تسخیر مجدد خیابانها و به پیش بردن قدرتمندتر انقلاب هستند. دیوارها و پلهای شهرها وسیعاً در فراخوان به حضور مجدد در خیابان شعار نویسی شده و معابر مملو از تراکت ها شده اند.

طبقه کارگر نیز باید خود را برای تقویت انقلاب و به سرانجام رساندن هر چه سریعتر آن همراه و متحد با بخشهای دیگر جامعه آماده کند. باید مانند بخشهایی که در حال آماده سازی و سازمانیابی برای حضور مجدد در خیابانها هستند، خود را سازماندهی کند و رو به جامعه اعلام و فراخوان دهد. کارگران در هر کارخانه و مرکز کارگری و معلمان در هر مدرسه و مرکز آموزشی و بقیه مزدبگیران مانند پرستاران در هر بیمارستان و محیط کاری باید با پخش بیانیه و فراخوان به مناسبت سالروز قتل مهسا امینی و در حمایت از انقلاب، نقش تعیین کننده خود را بیش از پیش به نمایش بگذارند.

انقلاب امری عمومی و همگانی است. هیچ انقلابی به معنای واقعی که باید کلیت نظام دیکتاتوری با تمامیت دم و دستگاه سرکوب و کشتار و جنایتش به زیر کشیده شود، بدون شرکت و دخالت جدی و پیگیر همه بخشهای تحت ستم در آن به پیروزی نخواهد رسید. کارگری که بخواهد زنجیر استعمار و بردگی را از پای خود باز کند، بدون از میان برداشتن همه قید و بندهای تبعیض و تحقیر آمیز در جامعه امکان نخواهد یافت. اگر بخواهد تبعیض طبقاتی و نابرابری اقتصادی را از میان بردارد باید هر گونه تبعیض و نابرابری و ستمی را از میان بردارد. این وظیفه ای اخلاقی برای کارگر به عنوان طبقه نیست، بلکه نیاز زندگی اوست به خاطر شرایط زندگی و

جمهوری اسلامی که شروع یک

انقلاب عظیم انسانی را باعث گردید،

می گذرد. انقلابی که طی چند ماهه اول آن، حکومت قتل و کشتار و شکنجه و اعدام، صدها انسان آزادیخواه و انقلابی را با شلیک مستقیم گلوله های جنگی و ساچمه ای در کف خیابانها به قتل رساند، تعداد بی شماری را مجروح و ناقص العضو و نابینا کرد، هشت نفر را اعدام کرد، ده ها هزار نفر را بازداشت و شکنجه کرد که همچنان پی در پی اخبار به قتل رسیدن بازداشت شدگان در زیر شکنجه جلاخان منتشر می شود.

اما علی رغم تمام جنایات کم سابقه در دنیای متوحش طبقاتی سرمایه داری که نسبت به مردم به پا خاسته ایران توسط جمهوری اسلامی اعمال گردید، مردم تشنه سرنگونی حکومت هار اسلامی نه تنها مرعوب و عقب نشسته اند، بلکه مصمم تر و با روحیه بالاتر به مبارزات و اعتراضات خود ادامه داده و انقلاب را بالغ تر و آبدیده تر کرده اند. انقلاب مردم، انقلاب کارگران، زنان و جوانان که در ابتدای شروعش مورد طمع صاحبان سرمایه خارج از حکومت و طرفداران بازگشت دیکتاتوری سلطنت سرنگون شده قرار گرفته بود و شتابان در راهروهای پارلمانها و کاخ های ریاست جمهوری دولتهای غربی در رفت و آمد بودند و حمایتشان را برای بازگشت به قدرت گدائی می کردند، با ادامه مبارزات و اعتراضات توده ای و عمق یافتن و شفاف شدن هر چه بیشتر اهداف انسانی طرح ها و برنامه ها و منشورهای کدائیشان را پی در پی خنثی و بی اعتبار کرد و آنها را پراکنده تر و بی انسجام تر از گذشته به انزوا راند.

انقلابی که با اعتراض به قتل دولتی مهسا امینی، انقلاب با شعار "زن، زندگی، آزادی" دنیا را لرزاند، با منشور مطالبات حداقلی تشکلهای صنفی و اجتماعی پرچمش برای سرنگونی قطعی کلیت نظام جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت خود مردم از طریق شوراهایشان ترسیم و به احتراز در آمد. انقلاب جاری، امروز و بعد از نزدیک به یک سال از عمرش بسیاری از ناروشنی ها و گرد و غبارهایی که جریانات فرصت طلب و ضد انقلاب برای قیچی کردن و بریدن سر انقلاب مردم ایجاد کرده بودند را از مسیر خود زدوده و افق رهائی را برای اکثریت انسانهای جامعه نمایان تر کرده است.

جمهوری اسلامی هیچ دلیل و شانس برای بقایش نمانده است. همه شواهد جاری و عینی، از پاچه یکدیگرگرفتن های مدام سراننش به دنبال شکستهای پشت سرهم طرح ها و فرمانهای سرکوب زنان گرفته تا اعترافات فرماندهان سپاه به روحیه باختگی نیروهایشان در برابر جسارتها و انسجام و قدرت مردم انقلابی سیر پر شتاب نشانه هایی از ضعف و استیصال این حکومت است. از جمله در جلسات محرمانه ای که تاکنون به بیرون درز پیدا کرده اند خود به این ضعف اذعان کرده اند. و یا برای مثال برملا شدن آبرو ریزیهای اخلاقی و جنسی مسئولان ارزشی، ایدئولوژیکی در مذهب ترین و حیثیتی ترین مراکز حکومتی مانند حوزه های علمیه و نهادهای ارشادی توسط باندهای رقیب و فاسد حکومت که ناشی از فشار انقلاب است اوج تشتت و در هم ریختگی حکومت را نشان می دهد. از سوی دیگر فضای تقابل جامعه با حکومت و نیروهای مضطرب و نگران و بی حجابی زنان که دیگر برگشت ناپذیر است و نیز اعتراضات و اعتصابات و تجمعات هر روزه در اعتراض به گرانی و پائین بودن سطح معیشت مزدبگیران و اکثریت مردم تأکیدی بر تداوم انقلاب است. و یا برگزاری مراسمهای یادبود و جشن تولدهای جانبختگان انقلاب توسط خانواده های داغدار و با همراهی وسیع مردم زنده بودن و پویا بودن انقلاب را یادآوری میکند. بازتاب این اوضاع و احوال را در شعارنویسی های ضد حکومتی بر روی دیوارها در هر خیابان و کوچه و محله و هر دانشگاه و اماکن آموزشی و عمومی به

## تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد تهران و کارگران کارخانه قند خاورمیان



مطالباتشان شدند.

علاوه بر اعتراض به فقر و گرانی، مصوبه مزدی چند بار زیر خط فقر شورایی عالی کار که تاثیر مستقیمی بر حقوق بازنشستگان دارد، برنامه توسعه هفتم حکومت که تعرضی به کارگران و بویژه بازنشستگان است و ورشکستگی صندوق های بازنشستگی بخاطر چپاولگری های حکومتیان موضوعات مشترک اعتراضات بخش های مختلف بازنشستگان است. امروز یک تاکید بازنشستگان بر تجمعات اعتراضی مشترک علیه تعرضات حکومتی به معیشت و زندگی شان است.

اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۳۰ میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاسها و دزدها و سرکوبگری ها از جمله خواسته های فوری بازنشستگان است که خود را در بره های اعتراضی و شعارهای آنها بازتاب میدهد. خبر دیگر اینکه روز گذشته ۱۴ مرداد کارگران کارخانه ی قند "خاورمیان" در اعتراض به سطح نازل حقوقها و اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل که میتواند چندرغازی به مزدشان اضافه کند، دست به اعتصاب زده و تجمع کردند. این مجتمع کارگری شامل بزرگترین کارخانه تولید شکر از چغندر قند در کشور در حد فاصل شهرهای شوش - دزفول در استان خوزستان واقع شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۵ مرداد ۱۴۰۲، ۶ اوت ۲۰۲۳

امروز یکشنبه ۱۵ مرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه اعتراضات گسترده خود و به روال دیگر روزهای یکشنبه در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات در شهرهای شوش، اهواز، دزفول، و شوشتر برگزار شدند. بازنشستگان در گرمای سوزان تابستان که به ۴۷ تا ۵۰ درجه میرسید، در مقابل سازمان تامین اجتماعی و در دزفول مقابل فرمانداری تجمع کردند و علیه دزدیها و اجحافات شعار دادند و اعتراض کردند.

در اهواز و شوش بازنشستگان تامین اجتماعی بعد از تجمع دست به راهپیمایی زده و در سطح شهر مردم با آنها ابراز همبستگی میکردند. در شوش بازنشستگان از کرخه، شوش و هفته تپه تجمع کردند و با راهپیمایی و با فریاد "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون" بر اتحاد مبارزاتی همه بخش های مبارزاتی تاکید کرده و شعار میدادند: "لشکری کشوری تامین اجتماعی، اتحاد اتحاد". دیگر شعارهای این کارگران عبارت بودند از: "گرانی ساعتی، کمر مارو شکسته"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "نه مجلس نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "مجلس سرسپرده، گرونی رو آورده"، "رتیسی دروغگو حاصل وعده های تو"، "حسین حسین شاعرشون، دروغ و دزدی کارشون".

بازنشستگان فولاد در تهران نیز این هفته همزمان با تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل صندوق بازنشستگی فولاد تجمع کرده و پیگیری

## حمایت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان از تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری در روزهای یکشنبه و سه شنبه



میلیون بازنشسته و کل جامعه است. بر پایه همین موضوع مشترک اعتراضی بازنشستگان خود با شعار کشوری، لشکری، تامین اجتماعی اتحاد اتحاد بر آن تاکید میکنند. اتحاد مبارزاتی ۲۵ میلیون بازنشسته یک پیشروی مهم در مبارزات آنها ست.

بازنشستگان نقش مهمی در تحرک سیاسی جامعه دارند و اعتراضات آنان به اعتراض کل جامعه علیه فقر و گرانی و به انقلاب زن زندگی آزادی مستقیماً متصل است. از خواستها و مبارزات آنها وسیعاً حمایت کنیم.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای کوتاه حمایت خود را از تجمعات بازنشستگان در روزهای یکشنبه و سه شنبه که از سوی بازنشستگان تامین اجتماعی و کشور برگزار میشوند اعلام کرده و مینویسد:

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، حمایت قاطع خود را از اعتراضات صنفی تمامی بازنشستگان اعم از کشوری و تامین اجتماعی اعلام نموده، از تمامی فرهنگیان شاغل و بازنشسته دعوت می نماید که در سه شنبه های اعتراضی در کنار دیگر همکاران بازنشسته اعتراض خود را به روند موجود اعلام دارند تا ضمن حمایت از همکاران خود، مانع از ادامه این وضعیت آزار دهنده و ظلم آشکار شوند.

اعتراض علیه فقر، بی تاملی و تعرضات هر روزه حکومت به زندگی و معیشت کل جامعه و نیز علیه اختلاسها و دزدی ها و امنیتی کردن موضوعات مشترکی اعتراض ۲۵

## طبقه کارگر در آستانه ... از صفحه ۱۱

نخواهد یافت مگر اینکه حول طبقه کارگر و زیر پرچم رهائی بخش آن متحد شود. اکنون برای طبقه کارگر و همه مردم خواهان رهائی از ظلم و نابرابری و رهائی از خفقان و دیکتاتوری حکومت جمهوری اسلامی، زمان آن است که با قدرت متحد خود کار را یک سره کنند.

۲۵ شهریور با تسخیر مجدد خیابانها و اعتصابات قدرتمند و سراسری در همه مراکز و محیطهای کار، از کارخانه گرفته تا حمل و نقل و معادن، و از مدرسه و دانشگاه تا مراکز درمانی و خدماتی، انقلابمان را به پیروزی نزدیکتر کنیم.

موقعیتی که در رابطه تولید در چهارچوب مناسبات سرمایه داری بر او تحمیل شده است. هر تبعیض و ستمی علیه هر بخشی از جامعه، تبعیض و ستمی است که بر کارگر مستقیماً اعمال می شود. کارگر را با تبعیض جنسی به تحمل دستمزد کم وادار می کنند، با استفاده از تبعیض قومی، ملی و مذهبی میان کارگران ایجاد تفرقه می کنند تا در نهایت تضعیف شده تر به خواست کارفرما تمکین کنند.

در نتیجه باید برای رهائی خود، همه بشر را رها کند و در مقابل هم، هیچ بخشی از جامعه تحت ستم و رنجیده از هر گونه تبعیض و نابرابری امکان رهائی قطعی

## ۱۶ مرداد : تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و دو خبر دیگر

### شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد



مشترک و متحدانه بخشهای مختلف بازنشستگان و حمایت وسیع مردمی از اعتراضات آنان تاکید دارد.

در این روز همچنین کارگران نساجی بروجرد در اعتراض به اخراج ۲۵ همکار خود و خطر بیکاری صدها تن دیگر از کارگران دست به اعتصاب زده و در محوطه شرکت تجمع کردند. کارگران اخراجی کارخانه نساجی بروجرد دارای سوابق کاری ۱۸ تا ۲۵ سال هستند ولی اخیراً اخراج شده و اجازه ورود به محل کار خود را ندارند. به گفته کارگران فعالیت تولیدی شرکت با بحران روبرو شده و شغل و معیشت آنها به خطر افتاده است. کارگران خواستار بازگشت به کار همکاران اخراجی و امنیت شغلی خود هستند.

تجمعات دیگر مردمی در این روز در تبریز، مغان و شهرستان گرمی بی آبی بود که جمعیت بزرگی از مردم جمع شدند و صدای اعتراض خود را بلند کردند. در تبریز جمعیت قابل توجهی از مردم در باغمیسه تجمع داشتند و شعار میدادند: "ما برای نوشیدن آب می‌خواهیم." بنا بر خبرها نه تنها روستاهای بخش‌های مختلف گرمی بلکه خود شهر گرمی نیز سالیان سال است که با مشکل کمبود شدید آب مواجه است. سیاست‌های مخرب زیست محیطی حکومت در جهت سودجویی‌های کلان سرمایه داران و در عین حال نامناسب بودن راه‌ها و کانالهای آبی و عدم هزینه کردن از سوی دولت برای بازسازی آنها یک معضل سراسری در سراسر کشور و معضل بی آبی است. مردم میگویند ما آب برای نوشیدن نداریم و در عین حال کشت و دام در خطر است. خبرها حاکی از پیشروی طوفان نمک و صدمات آن به ارومیه و تبریز است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مرداد ۱۴۰۲، ۷ اوت ۲۰۲۳

امروز شانزدهم مرداد ماه بازنشستگان مخابرات به روال هر دوشنبه علیه فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان در چندین شهر در مقابل ساختمان اداره مخابرات تجمع کردند. بنا به گزارشات تاکنونی این تجمعات در شهرهای کرمانشاه، رشت، اصفهان، اهواز، مشهد، شهر کرد و ایلام برگزار شده است.

در کرمانشاه بازنشستگان راهپیمایی کرده و شعار میدادند: "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم". در ایلام بازنشستگان با خشم و اعتراض فریاد می‌زدند: "وزیر بی کفایت استعفا، استعفا"، "ما می‌گیریم حقوق کمه، قیمت نان گران میشه"، "دولت سر سپرده، گرانی را آورده"، "آقا زاده آمریکاس، فرزند ما آس و پاس!".

در اصفهان جمعی از زنان و مردان بازنشسته تجمع کرده و همراه با کف زدن شعار میدادند: "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت".

در اهواز بازنشستگان مخابرات تجمع و راهپیمایی داشتند و شعار میدادند: "بازنشسته بیا خیز، برای رفع تبعیض"، "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "نه سازش، نه تسلیم، اجرای آئین نامه".

اعتراض بازنشستگان مخابرات به سطح نازل حقوقها، اجرایی نشدن آیین نامه‌ی استخدامی و رفاهی سال ۸۹ و بالا کشیده شدن حق و حقوقشان توسط سهامداران عمده مخابرات و نهاد حکومتی موسوم به ستاد اجرایی فرمان امام و دزدی‌ها و اختلاسهاست.

اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان و پایان دادن به اختلاسها و دزدیها و سرکوبگری‌های حکومت از خواستها و تاکیدات مشترک همه بازنشستگان است. حزب کمونیست کارگری بر تجمعات



### کانون صنفی معلمان ایران (تهران) تأیید حکم حبس سارا سیاهپور را محکوم کرد

می‌شود.

واقعیت این است که اتهامات بی‌اساس و غیرمستند و صدور احکامی برخلاف ابتدایی‌ترین اصول حقوقی

جاری در همین کشور و حضور و اعمال نظر قدرتی مطلق العنان و فارغ از قانون به نام کارشناس (بازجو) در تمامی مراحل تشکیل پرونده حتی زمانی که محکوم در حال گذراندن حکم خود در مراحل پایانی است، روند طی مراحل قضایی در کشور، به ویژه در مورد کنش‌گران صنفی و سیاسی را به کاریکاتوری از دادگاه و قضاوت تبدیل نموده و صدور چنین احکامی دیگر نه کسی را متعجب می‌کند و نه امیدی به قضاوتی دست‌کم منصفانه و مبتنی بر قانون را به این دستگاه عریض و طویل، زنده نگاه می‌دارد. "حکم صادره برای سارا سیاهپور باید لغو و پرونده امنیتی تشکیل شده برای او فوراً و بدون قید و شرط بسته شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، شانزدهم مرداد ۱۴۰۲

قبلاً گزارش کردیم که دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی حکم شش سال حبس برای سارا سیاهپور را در بیست و سوم تیرماه تایید و به شعبه یک اجرای احکام زندان اوین ارسال کرده است. سارا سیاهپور به اتهام "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی" به پنج سال حبس و از بابت اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس، محکوم شده است. بعلاوه او دو سال ممنوع الخروجی از کشور، دو سال ممنوعیت عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی، و فعالیت در فضای مجازی محکوم گردیده است. در واکنش به این حکم سارا سیاهپور در اینستاگرام خود نوشت: "با هم پیمان بستیم که هرگز به عقب باز نخواهیم گشت". این حکم با اعتراضات بسیاری در میان معلمان روبرو شده است. از جمله کانون صنفی معلمان ایران (تهران) طی بیانیه‌ای در ۱۶ مرداد تأیید حکم توسط دادگاه تجدید نظر را محکوم کرد. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "یکی از آخرین نمونه‌های این احکام، تأیید حکم بدوی خانم سارا سیاهپور، معلم، فعال صنفی و از اعضای کانون صنفی معلمان ایران است که یکبار دیگر نمایشی بودن تشکیل چنین دادگاه‌ها و صدور چنین احکامی را یادآور



اجتماعی آن را به نمایش میگذارد. با پیوستن همه معلمان، خانواده‌های دانش‌آموزان و همه مردم این کارزار میتواند میلیونی شود. کارزاری که الگویی در سطح جامعه علیه سرکوبگری‌های حکومت و برای متحد شدن حول شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" است.

اکنون هجده معلم در زندانند و این درحالیست که حکومت از وحشت فرا رسیدن سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و سر بلند کردن موج دوم انقلاب، بر فشارهای امنیتی بر روی فعالین کارگری و اجتماعی از جمله معلمان شدت داده است. امنیتی کردن مبارزات، ادامه بازداشتها و تشدید سرکوبگری‌های حکومت از جمله پرونده سازبها و صدور احکام زندان، اخراج، تبعید، بازخریدی، بازنشستگی اجباری و انفصال برای صدها معلم در سراسر کشور موضوعات مورد اعتراض معلمان است. معلمان یک بخش رزمنده جامعه هستند. اعتراضات آنها علیه فقر و بی‌تامینی و تبعیض‌ها و دزدیها با پرچم تحصیل رایگان برای همه کودکان، به اعتراضات کل جامعه وصل شده است و شایسته وسیع‌ترین حمایتها است. قاطعانه از کمپین یکصد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی حمایت کنیم. (برگرفته از ژورنال شماره ۴۹۲)

## کارزاری که میتواند حامیان میلیونی باشد - شهلا دانشفر

چهار هفته از راه اندازی کمپین برای آزادی معلمان زندانی میگذرد. دست اندرکاران آن طی اطلاعیه‌ای در پانزدهم مرداد، ضمن قدردانی، از حمایت بیش از ۲۲ هزار معلم شاغل و بازنشسته از این کارزار خبر داده‌اند. بعلاوه بنا بر گزارشات کانونها و انجمنهای صنفی معلمان از شهرهای مختلف از جمله اسلامشهر، تهران، فارس، کردستان، خراسان شمالی، مرکزی، همدان، و بوشهر و نیز سازمان معلمان ایران طی بیانیه‌هایی حمایتشان را از این کارزار اعلام کرده‌اند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز پشتیبان محکم این کارزار بوده و اسماعیل عبدی معلم زندانی هم از زندان کجویی فردیس کرج از این کارزار پشتیبانی و قدردانی کرده است.

این کارزار محدود به معلمان نمانده و از جمله چهار تشکل سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و کارگران بازنشسته خوزستان طی بیانیه مشترکی تحت عنوان "درد مشترک، درمان مشترک" از آن حمایت کرده و می‌نویسند: "راه علاج دردهای مشترک یا دردهای اجتماعی کارگران شاغل و بیکار، معلمان، بازنشستگان، زنان زحمتکش و آزادیخواه، دانشجویان و جوانان و روشنفکران مردمی، چیزی جز مبارزه مشترک برای تحقق خواست‌های مشترک و مطالبات برحق هر بخش از این توده عظیم چندین میلیونی نیست و تاکیدشان بر همبستگی مبارزاتی همه این بخشها است."

این ابعاد از حمایت و گفتمان‌هایی که این کارزار با خود به جلو آورده، از جمله تاکید بر اتحاد مبارزاتی همه بخشهای جامعه حول دردهای مشترک، جایگاه

## درد مشترک، درمان مشترک / بر مبارزه برای آزادی معلمان در بند، تاکید می‌ورزیم

### حمایت چهار تشکل از کمپین یکصد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی

آنچه اساس خواست سیاسی این اکثریت ۹۵ درصدی را تشکیل می‌دهد تصمیم‌گیری براساس قوانین و مقرراتی است که نمایندگان مستقیم اکثریت عظیم مردم یعنی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا آزادانه وضع می‌کنند و نه قوانین مقرراتی که از اعماق تیره و تاریک گورستان‌های تاریخ سر درآورده‌اند و یا توسط برج عاج نشینان جدید سرهم بندی شده‌اند و با تکیه بر زور برهنه، عوام‌فریبی و دروغ، خرافات و تبلیغات از رسانه‌های جمعی و مسجد و منبر و هیأت‌های عزاداری و نکبت بر میلیون‌ها مرد و زن، جوان و پیر، روشنفکر و دانشجو، کارگر و دهقان تحمیل می‌شوند. همین تحمیل با وقاحت و خشونت بیشتر و با تکیه بر چماق و گلوله و قتل و شکنجه و اعدام، در زمینه‌های فرهنگی نیز صورت می‌گیرد.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و همه زنان و مردانی که به جرم فعالیت در سازمان‌های حرفه‌ای و سندیکائی دستگیر، شکنجه و به حبس‌های طولانی محکوم شده‌اند و یا در سیاهچال‌ها به صورت بلا تکلیف به سر می‌برند، یکی از عرصه‌های مهم مبارزه است و به همین جهت مبارزه برای آزادی معلمان زندانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و شایسته پشتیبانی کامل و بی‌دریغ است.

ما ضمن حمایت از مبارزه برای آزادی معلمان در بند، بر نکات زیر تأکید می‌ورزیم:

- ۱- ضرورت حمایت همگانی از خواست‌های مشترک و عام و یا پشتیبانی از خواست ویژه برحق هر بخش از کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان و روشنفکران، دهقانان و دیگر تهیدستان شهر و روستا.
- ۲- ایجاد ارگان‌های عمل مشترک از طریق همکاری تشکلهای کارگران، معلمان،

در پشتیبانی از خواست آزادی معلمان در بند و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی و ضرورت عمل مشترک نیروهای پیشرو برای مبارزات آینده!

به درستی گفته شده که درد مشترک به صورت جداگانه و فردی درمان نمی‌شود. براساس چنین درکی، راه علاج دردهای مشترک یا دردهای اجتماعی کارگران شاغل و بیکار، معلمان، بازنشستگان، زنان زحمتکش و آزادیخواه، دانشجویان و جوانان و روشنفکران مردمی، چیزی جز مبارزه مشترک برای تحقق خواست‌های مشترک و مطالبات برحق هر بخش از این توده عظیم چندین میلیونی نیست.

این خواست‌ها اساساً در زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نمودار می‌شوند.

خواست‌های اقتصادی بخش‌هایی که برشمردیم، اساساً خواست‌های کارگران و مزدبگیران و یا لایه‌های نزدیک به آنها یعنی به‌طور کلی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا در مقابل استثمار، دزدی، فساد و اجحافات سرمایه‌داران و زمین‌داران و دولت سرکوبگر و واپسگرایی حاکم است که مدافع استثمارگران و خود یکی از بزرگترین استثمارگران کشور است.

خواست‌های سیاسی بخش‌هایی که برشمردیم، بخش‌هایی که اکثریت مطلق و عظیم ۹۵ درصدی یا بالاتر جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، در یک کلمه عبارت است از تعیین سرنوشت در تمامی ابعاد زندگی توسط خود ما که به مفهوم تصمیم‌گیری در تمام امور سیاسی، اداری و نظامی کشور توسط نمایندگان واقعی همین اکثریت ۹۵ درصدی و نظارت مستقیم آنها و نه تصمیم‌گیری توسط روحانیان حاکم و صاحب منصبان لشکری، امنیتی و کشوری و نه کارگزاران سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ.

## فشار های امنیتی بر روی معلمان معترض ادامه دارد

### پیوستن بیست و دو هزار نفر به کمپین یکصد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی

جمهوری اسلامی از وحشت فرارسیدن سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و سر بلند کردن موج جدید انقلاب، بر فشارهای امنیتی بر روی فعالین کارگری و اجتماعی از جمله معلمان شدت داده است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در این هفته عاتکه رجبی معلم اخراجی در مشهد برای روز چهارده مرداد به شعبه ۹۰۶ دادگاه انقلاب مشهد" احضار شد. او پیش از این بدلیل حمایت از انقلاب مهسا، طی حکمی از طرف هیات تخلفات وزارت آموزش و پرورش اخراج شد. عاتکه رجبی قبلا به مدت پنج روز در بازداشت وزارت اطلاعات بود و با وثیقه یک میلیارد و ششصد میلیون تومانی آزاد شده است. در اطلاعیه خبری در این مورد شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکومیت پرونده سازی ها علیه معلمان معترض خواستار صدور قرار منع تعقیب برای عاتکه رجبی شده است.

بعلاوه پیروز نامی، عضو هیات مدیره و دبیر کانون صنفی فرهنگیان خوزستان نیز با اتهاماتی چون نشر اکاذیب، تبلیغ علیه نظام، شرکت در تجمعات "غیر قانونی"، به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری ۲ شهرستان اهواز احضار شده است. بنا بر خبر حکم بدوی تبرئه یازده عضو کانون صنفی معلمان خوزستان که در خردادماه سال جاری در شعبه ۳ دادگاه انقلاب اهواز صادر شده بود، با اعمال فشار نهادهای امنیتی و بعد از موعده ۲۰ روزه قانونی، مورد اعتراض نماینده دادستان وحید نریمیسایی قرار گرفت و پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال شد. اسامی این افراد عبارتند از: پیروز نامی، زهره بختیاری، کوکب بداغی پگاه، علی کروشاتی، صادق ناصری، معین زرگانی، اقبال تامرادی، سیامک چهارازی، بهنیا بهمنی نژاد، شهریار شیروانی، و عماد رفیعی.

از سوی دیگر بنا بر خبر منتشره از سوی کانون صنفی معلمان استان بوشهر بازپرسی شعبه هفت دادسرای بوشهر در مورد پرونده دستگیری محسن عمرانی در اردیبهشت ۱۴۰۲ رای نهایی صادر کرد. این دادگاه با قضاوت بازپرس مهدی مقاتلی در مورد اتهام تحریک مردم به جنگ و کشتار و خونریزی... قرار منع تعقیب صادر نمود. اما در مورد اتهام "تبلیغ علیه نظام"، "بزه انتسابی" را محرز دانسته و پرونده را جهت رسیدگی و تعیین شعبه به دادستانی ارجاع داد. این کانون ضمن محکوم کردن این پرونده سازی ها برای فعالین صنفی خواستار برچیدن فضای امنیتی بر فعالیت



معلمان شد.

هم اکنون شماری از معلمان معترض با اتهامات و پرونده سازیهای امنیتی به زندانهای طولانی مدت محکوم شده و در زندانند که اسامی آنها عبارتند از: اسماعیل عبدی، رسول بدافی، جعفر ابراهیمی، هاشم خواستار، اصغر امیرزادگان، ناهید شیرپیشه، مریم جلال حسینی، فاطمه تدریسی، زینب همزنگ، جواد لعل محمدی، فرزانه ناظران پور، محمود ملاکی، محمود صدیقی پور، عزیز قاسم زاده، انوش عادل، امید شاه محمدی، حسین رمضانپور، ومهدی فتحی.

در برابر این احضار ها و دستگیرها و ادامه بازداشت ها و برای خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط معلمان زندانی از سوی معلمان کارزاری تحت عنوان «کارزار یکصد هزار امضا» به جریان افتاده است که تا کنون ۲۲ هزار معلم این کارزار را مورد حمایت قرار داده اند و کانونهای صنفی مختلف با بیانیه های مستقل خود از این کارزار اعلام پشتیبانی نموده اند. صدور احکام زندان های طولانی مدت برای معلمان معترض در استانهای مختلف، پرونده سازی در دادگاه ها و هیئت های تخلفات اداری و صدور احکام اخراج، بازخریدی، بازنشستگی اجباری، و انفصال برای صدها معلم در سراسر کشور از جمله موضوعات مورد اعتراض این بیانیه است. اسماعیل عبدی معلم زندانی از درون زندان به این کارزار پیوست. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش میکند که صدای این کارزار و همه معلمان زندانی در سطح جهان باشد. معلمان زندانی، کارگران در بند، بازداشت شدگان انقلاب و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندان-۱۵ مرداد ۱۴۰۲، ۶ اوت ۲۰۲۳

<https://www.free-them-now.com/>

[Shahla.daneshfar2@gmail.com](mailto:Shahla.daneshfar2@gmail.com)

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

می توانند در شرایط و زمانهای مختلف مفید باشند اما درس گیری از تجارب گذشته و نیز از سرسختی و پافشاری ارتجاعی نیروهای حاکم بر سیاست های ضد کارگری و ضد دموکراتیک خود باعث می شود که نیروهای مبارز بیشتر در جهت نبرد مستقیم و صریح با سیاست های حاکم، بر اعتراضات سیاسی خیابانی و بر اعتصابات اقتصادی و نیز سیاسی سمتگیری کنند.

درست براساس چنین درک عمیقی است که در بسیاری از اعتراضات خیابانی کارگران و بازنشستگان شعار «فقط کف خیابون به دست میاد حقمون!» (سر داده می شود).

پیش به سوی مبارزه متحد برای آزادی معلمان دربند و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی!

مستحکم باد مبارزه مشترک کارگران، معلمان، زنان، بازنشستگان، دانشجویان و روشنفکران! ۳۱ تیرماه ۱۴۰۲

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران بازنشسته خوزستان (برگرفته از مدیای اجتماعی)

از صفحه ۱۴

## درد مشترک، درمان مشترک...

بازنشستگان، زنان، دانشجویان دانش آموزان و غیره و ضرورت حمایت عملی و مستقیم و نه نمادین یا نیابتی از حرکات و اقداماتی که توسط این ارگانها تصمیم گیری می شود.

۳- با توجه به مجموع اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، تصمیمات حاکمان بر افزایش فشار و اصرار بر سیاست های ارتجاعی شان، برآورده نشدن خواست های کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان، روشنفکران و جوانان به طور کلی و با نزدیکی به سالگرد قتل فجیع مهسا در بازداشتگاه گشت ارشاد، می توانیم زمینه های شکل گیری اعتراضات جدید در عرصه های مختلف اجتماعی در ماه های آینده را حدس بزنیم. این امر ضرورت هماهنگی و همکاری بین نیروهای پیشرو بخش های مختلف را دو چندان می کند.

۴- نکته مهم دیگر شکل و مضمون مبارزات آینده، علاوه بر همکاری و اتحاد نیروها (ی پیشرو اجتماعی)، بررسی چگونگی پیشبرد آن هاست. هر چند تمام اشکال مبارزه



## پیام مرتبط با کانون انجمن‌های صنفی کارگران پالایشگاه‌های گاز استان بوشهر:

مفتخور قطعاً گسترش اعتراضات کارگری است.

ما کارگران بر این باوریم که تنها با اتکای نیروی مبارزه خودمان، با اتحاد و همبستگی مبارزاتی می‌توانیم حق و حقوق مان را بگیریم. بقول هم طبقه ای‌های بازنشسته مان: فقط کف خیابون بدست میاد حقمون

اعتراض کارگر نفتی، تاخیر در اورهال صنایع و اخلال در بازگشت به شرایط تولید، اعتصابات سراسری کارگری در حوزه های نفت و سایر بخشهای اقتصادی، برابر است با توقف روند معمول ایجاد سرمایه و ثروت اندوزی برای سرمایه دارانی که هم قانونگذارند و هم تمامی امکانات تولید، قدرت و نیروی سرکوب را در اختیار دارند تا کارگر مزدی را به بردگی بکشند. ما با اتکاء به قدرت اعتصابمان پیگیر همه حق و حقوقمان هستیم. بدانید این بساط توحش و بردگی پایانی دارد.

ما کارگران با زیر و رو نمودن بساط چپاول و فساد حاکم، با قدرت اعتصاباتمان و با قدرت اتحادمان در شوراها و اعمال اراده مستقیم مان شما را بعنوان عوامل خودفروخته و آخرین نسخه باطل شده سرمایه داری نسبت به تلفات طبقه کارگر و خدمات خائنانه تان به زیاده خواهان پاسخگو نموده، بازخواست خواهیم نمود!

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)

۱۴ مرداد ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

## عباس دریس باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود

حکم اعدام عباس دریس از بازداشت شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸، شاهد کشتار حکومت در نیزارهای ماهشهر با قدرت کارزاری قدرتمند موقتاً متوقف شد. اما خطر هنوز بالای سر اوست. کارزار برای نجات جان او و آزادی اش از زندان ادامه دارد. عباس دریس باید آزاد شود.

علی فرزند عباس دریس طی نامه ای خطاب به همگان ضمن قدردانی از حمایت های مردمی از پدرش و پاسخ گویی به درخواست آنان میگوید: پدرم را فراموش نکنید به حمایت از ما ادامه دهید

با تمام قوا کنار این خانواده بایستیم و صدای آنها در سطح جهان باشیم.



پدرم را فراموش نکنید!

نامه دیگری از علی فرزند عباس دریس کارگر زندانی محکوم به اعدام

«به پاری شما و کمک و کلا، حکم پدرم فعلاً متوقف شد و ما نفسی کشیدیم. در این مدت بیکار به دیدن بابا رفتیم. خیلی تلاش کردیم که مادر بزرگ ملاقات حضوری بگیرد، چون از پشت شیشه هیچ چیز نمی بیند. چند اداره رفتیم و هر جا اینرا گفتند، نمیشود. با وجود این همه رفتیم ملاقات. پدرم آرام بود و از پشت شیشه بما نگاه میکرد، محمد بی تابی میکرد و میخواست بابا اونو بغل کنه، پدرم از پشت شیشه گفت محمد دستت را بذار روی شیشه کابین و خودت هم انور دستت را گذاشت رو شیشه، گفت الان فکر کن بغلم هستی و محمد آرام اشک میریخت... این هفته همه باهم اهواز رفتیم و مامان را هم دیدیم. سر خاک مامان هر سه کمی گریه کردیم. من امروز برای محمد اسباب بازی خریدم، و میخوام از همه تشکر کنم و بگویم، حمایت اتان از ما را ادامه دهید.»

کانون انجمنهای صنفی کارگران پالایشگاه های گاز استان بوشهر مینویسد: وعدههایی را که به ما دادند اجرا نکردند در حالیکه اسفندماه به ما قول پیگیری دادند و جلسه ای برای رسیدگی به مسائل کارگران تشکیل شد. در زمان صدور فراخوان برای یکم اسفند ما را به عجز بودن متهم می کردند. باید بگوییم که مسئولیت عدم اجرای مطالبات کارگران پالایشگاه های پارس جنوبی به هیچ عنوان بر عهده نمایندگان کارگران نیست و مسئولین مربوطه باید پاسخگو باشند!

پاسخ شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی (ارکان ثالث) به این نهادهای معلوم الحال، این است:

شما و دوستان جیره خوارتان، آویزان بر ستونهای فرسوده کاخ ریاست جمهوری، در همدستی و تبانی، در انتظار لطف و مرحمت از بالا، با عقب نگه داشتن قدرت تعیین کننده طبقه کارگر، در فساد و استثمار کارگر مزدی شریک هستید!

تشکل هایی دست سازی چون شما، جاده صاف کن سرمایه داران مفتخورید برای چپاول بیشتر کارگر!

شما با امکانات و تریبون در اختیارتان، بهمراه همان مسؤلینی که دستمایه لطف آنها هستید، مجموعه عواملی هستید در خدمت استثمار بیشتر کارگر، سودبری کلان طبقه سرمایه دار، صاحبان قدرت و پیمانکاران مفتخور!

شما با عنوان انجمن صنفی کارگری، به این مسؤلین و روال معمول و در امنیت چپاولشان اعتبار داده، با ترمز زدن به مبارزه کارگر، برای آنها زمان میخردید. شما قطعاً بخشی از همان فساد سیستماتیک هستید در تضاد با مطالبات ما کارگران!

در حالی که جامعه از اعتراض میجوشد، بر کسی پوشیده نیست که اراده ای برای تحقق مطالبات مردمی وجود ندارد و این مسؤلین که امثال شما ضامن اعتبارشان هستید، از پاسخگویی به فقر، فلاکت و محرومیت توده مردم طفره میروند و اساساً سیاستهایشان تماماً ضد کارگری، ضد مردمی و در خدمت چپاول و غارت آخرین لقمه های نان مردم است.

طبقه کارگر و توده تحت ستم جامعه مدتهاست با درک شرایط موجود، کل بساط توحش و بردگی حاکم بر جامعه را هدف قرار داده، به آن معترض است. این شما هستید که در تقابل با خواست عمومی جامعه، با امنیتی کردن مبارزات مردمی تحت عنوان "اغتشاش و اقدام علیه امنیت" با کوبیدن بر طبل اینکه اعتراض "سیاسی" است در همدستی با حراست و نهادهای امنیتی شرایط سرکوب طبقه کارگر را فراهم نموده اید. اما بدانید که در این جامعه مبارزه برای نان هم سیاست است. چون ربودن آن از سفره ما مردم اساس و پایه سیاستهای جاریست. "اقدام علیه امنیت" نیز معنایی جز اقدام علیه سرمایه داران ندارد، که همه شما حامی آن هستید!

بدانید که دیگر دوره این یکه تازی ها تمام شده است، عواملی چون شما با عنوان "انجمن صنفی کارگری" ترمز مبارزات کارگران و در تضاد با تحقق مطالبات برحقشان هستید. سکوت شما در برابر تعرضات هر روزه به معیشت کارگر فقط و فقط وقت خریدن است برای کارفرمایان مفتخور و ایجاد شرایطی است امن برای عوامل فساد و تداوم زیاده خواهی های پایان ناپذیر آنان!

شما عوامل پیمانکاران مفتخور و صاحبان سرمایه بر علیه طبقه کارگریید.

البته ما میدانیم که خدمات شما در پشت درهای بسته با مدیریت نفت و پیمانکاران مفتخور با جوایز و سکه های ناچیز پاسخ داده میشود.

شما حتی حاضر به دیدن مصائب کارگر عسلیویه در آن شرایط سخت کاری و آب و هوایی نبوده، حقی بر کارگر تحت ستم و استثمار قائل نیستید، او را در خدمت به روال معمول تولید و سرمایه تحت هر شرایطی قربانی نموده اید!

دست شما برای ما کارگران رو شده است و پاسخ محکم ما به شما و سرمایه داران